

جرا باید درگیرها قطع کردند؟

گزه اصلی کجاست؟

ارامه! بلا انقطاع درگیرهای حزب دمکرات و کومه له و وضعیت ناشی از آنها و بخصوص عدم وجود نشانه های قابل اعتنائی از اقدامات لازم در جهت قطع این درگیرها، طرح مجدد آن اصول و ضروریاتی را که قطع فوری و بدون قید و شرط این درگیرها را الزامی می سازد، ضروری است. مسلماً بدون یک برخورد اصولی با الزاماتی که قطع این درگیرها را به یک امر عاجل و فوری در شرایط کنونی تبدیل ساخته است، نمی توان گام معینی نیز در جهت انجام چنین هدفی برداشت. درست در یک چنین شرایطی است که حوادث بر هر چیز پیشی خواهند گرفت و راه هرگونه برخورد آگاهانه و هدفمند به مسائل را صدور خواهند کرد.

این که امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که این درگیرها باید خاتمه پیدا کنند، کافی نیست. امروز باید این واقعیت در صفحه ۲

در صفحات دیگر:



اخبار جنبش نو ده ای

صفحه ۱۳

انقلاب ضرورت و دستاوردهای آن

صفحه ۲۲

اخبار

عملیات پیشمرگان فدائی

صفحه ۳

انتخابات ریاست جمهوری
نمایش

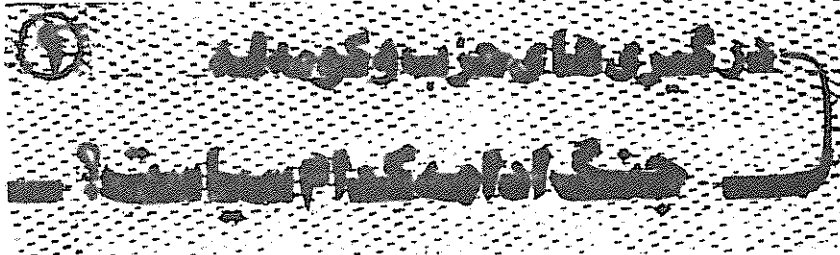
صفحه ۱۰

انتخابات ریاست جمهوری در روز ۲۵ مرداد ماه و در میان تحریم گسترده توده های زحمتکش ایران برگزار گردید و یکبار دیگر ضحکه ای را که دیگر ضحیره بودن و قلابی بودن آن بر هیچکس پوشیده نیست به نمایش گذاشت. انتخاباتی که برنده آن از قبل تعیین شده بود و به مقامی که می باید انتخاب می گردید. انتصاب گشته در صفحه ۱۰

۲۸ مرداد فصل مشترک دور ژیم

در سرکوب توده ها!

بیست و هشتم مرداد ماه، در تاریخ اخیر ایران، و بعد از سالهای ۳۲، همواره پیاد آور خاطرات تلخ کودتاهای اسراییلیستی و تنگین شاه، و خیانت های حزب اپورتونیست و پرچم سفید توده بوده است. روزی که فرصت های سازشکار توده ای، به رغم اطلاع از کودتای شاه، با تسلیم طلبی خود راه را برای کودتا چنان هموار کرده و عملاً در بخون کشیده شدن توده ها و انقلابیون، شریک شدند. فرصت طلبان توده های در صفحه ۱۱



در زمینه تحلیل کومه له از جنگ کنونی بین پیشمرگان خود با حزب دمکرات، وجه در زمینه راه حلی که برای تنظیم مناسبات با حزب دمکرات ارائه نموده است، در عین هر چه روشن تر نمودن مواضع کنونی کومه له، شیوه برخورد کومه له به

کمیته مرکزی کومه له در تبریز گذشته ضمن اعلام برگزاری پانزوم خود، دو صندوق در مورد درگیری های کنونی خود با حزب دمکرات را منتشر ساخت که در برگیرنده دیدگاه ها و آخرین راجع مورد نظر این سازمان می باشد. نگاهی به استاد این پانزوم چه

مبائل در برهه کنونی را نیز صراحت هر چه بیشتری می بخشد. کومه له در این اسناد، جدا از بیان جدیدی از راه حل خود برای قطع درگیری ها، تحلیل خالص خود از درگیری های کنونی و وضعیت و ضروریات در صفحه ۵

هه موو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه ده

جرا باید درگیرها قطع کردند؟ ...

از صفحه ۱

قبل از همه روشن شود که چرا باید این درگیرها قطع گردند و بر چه اساسی و چه چیزی می باید در آینده و در مرحله کنونی مبارزه زمینه بروز چنین درگیرهایی را محدود سازد.

بدون تردید آنچه که امروز قطع این درگیرها را ضروری ساخته است، چیزی جز الزامات عینی و عقلی جنبش کنونی نیست که ادامه این درگیرها صفای با روند روبه رشد این و گملا در جهت مخالف آن است. جنبش انقلابی خلق کرد امروز پیش از همیشه به اتحاد عمل و یکپارچگی دوونی، خورش نیازمند است تا در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی بیش از همیشه در صورتا سر ایران با بن بست مطلق در تمامی زمینه ها روبرو گشته است، بتواند نقش خود را در مبارزات خلتیهای سراسر ایران علیه این رژیم سرکج و بحران زده، ایفا نموده و تداوم هرجه قدرتمند مبارزه کنونی را تضمین نماید. روندی که درگیرهای کنونی گاملا در جهت عکس آن عمل نموده، روزه روز با تشدید اختلافات درونی نیروهای سیاسی و دامن زدن به درگیرهای خونین فیما بین آنها از قدرت و رمی جنبش می گاهد، ویاس و انفعال را در سطح جنبش دامن زده، بدون درک اهمیت و ضرورت مقابله همه جانبه با تلاش های مذبوحانه کنونی رژیم که ملما نتایج و تاثيرات آن صرفا محدود به شرایط حاضر نخواهد گشت، ادامه وضعیت متشنج کنونی را ناگزیر می سازد.

بنا بر این ضرورت مبارزه کنونی و تلاش در جهت تحقق اهداف پیروزمند آن، قطع فروری این درگیرها را طلب می نماید. اساس چنین ضرورتی را آن مبانی اولیه مبارزه کنونی تشکیل می دهد که می توانست و می باید بعنوان وجوه اشتراک در میان نیروهای سیاسی در نظر گرفته شده، و بر اساس چنین وجوه اشتراکی که هم ایست وجود دارد می توان

به درگیری فیما بین نیروها در کردستان پایان داد. این امر به مفهوم عدم وجود اختلافات اساسی و محلی فیما بین نیروهای سیاسی نیست و نمی تواند باشد. متسا راه پیشبرد این اختلافات الزاما تحمل به اسلحه نیست. تا زمانی که مبارزه مشترک حتی در خطوط کلی آن نیز وجود داشته باشد، امکان همزیستی صالمت آمیز نیز وجود دارد. می توان گفت که درگیریهای کنونی در حقیقت محصول عدم گفتا به چنین فضای دمکراتیکی و نتیجه اعمال سیاست های غیر اصولی و ضد دمکراتیک در برخورد به اختلافات فیما بین نیروهای سیاسی در کردستان است.

از همین رو و با درک اهمیت پاسخ روشن به این ضرورت است که می توان گفت باید درگیرهای کنونی قطع گردید و جای خود را به فضای دمکراتیکی در مناسبات فیما بین نیروهای سیاسی بدهند که منطبق بر ضرورت و اهداف جنبش انقلابی خلق کرد و چشم اندازهای پیروزمند آن باشد.

بنابر این امروزه هر آن نیرویی که به زیانبار بودن این درگیرها اذعان داشته باشد، باید در عمل این اعتقاد خود را آشکار ساخته، با محکم ساختن عامل تداوم درگیرهای کنونی، گام عقلی در جهت پایان دادن به آنها بردارد.

اما گره کور این درگیرها کجاست و چه چیزی سدد راه قطع این درگیرهاست؟ جدا از تمامی عوامل اولیه موجود بین درگیرها که بشرات در مورد آن سخن گفته شده است، امروز آن عامل اصلی که ادامه این درگیرها را میسر ساخته و تداوم آنها پافشاری نموده است و سد راه رسیدن به یک آتش بس فوری گشته است، برخورد ضد دمکراتیک حزب دمکرات به مناسبات فیما بین نیروهای سیاسی در کردستان و در وجه مشخص آن اشتغال این حزب از پذیرش آتش بس بدون قید و شرط بوده و هست. حزب دمکرات با ادامه چنین سیاستی در قبال نه تنها درگیرهای خود، کومه له که بیان خود را در همان شروط حزب دمکرات پیدا می کند، بلکه کلیه نیروهای انقلابی که حاضر به گردن نهادن

بر تحمیلات ضد دمکراتیک حزب دمکرات نیستند، رسما و علنا آزادی فعالیت سیاسی - نظامی در کردستان را تهدید می کند. سیاستی که امروز حزب دمکرات در این زمینه در پیش گرفته است در تحلیل نهائی بدون تردید عملا تنها در خدمت اهداف رژیم در کردستان قرار خواهد گرفت و حزب دمکرات را پیش از پیشر مضرتی خواهد نمود.

ملما تنها برای آن دسته از نیروهایی که درک روشنی از برنامه و اهداف حزب دمکرات در جنبش کنونی نداشته باشند، در پیش گرفتن چنین سیاست هایی از سوی حزب دمکرات غیر ضرر خواهد بود. ولی سیاست امروز حزب دمکرات در قبال نیروهای انقلابی و از جمله درگیرهای کنونی هیچ تفاوت ماهوی با سیاست حضور او در شورای ملی مقاومت و قبول برنامه خود مختاری آن ندارد. دمکراسی حزب دمکرات محدودیت طبقاتی معین خود را دارد. ولی تا زمانی که حزب دمکرات دستاوردهای دمکراتیک و انقلابی جنبش کنونی را پایمال نکرده، عملا در جنبش کنونی و در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، گام بردارد، مسلم است که دامن مناسبات سیاسی متقابل میان امکان پذیر هست و اختلافات با حزب دمکرات در هر سطح و کیفیتی که باشد، می تواند بر بستری مبارزه سیاسی صالمت امیز به پیش برده شود. این است آنچه که در درخواست آتش بس فوری و بدون قید و شرط نهفته است و و حزب دمکرات با عدم پذیرش آن در حقیقت در صدد تیرا گذاشتن منافع و الزامات جنبش کنونی، با هر چشم انداز مهمی از قبیل مذاکره با رژیم و غیره است.

از این رو طرح و پیشبرد شعار آتش بس بدون قید و شرط آن شعار اصولی در تمامی طول درگیرهای حاضر بوده و هست که از یک سو، ضرورت قطع فوری درگیرهای حزب دمکرات و کومه له را و از سوی دیگر ضرورت بودن هرگونه قید و شرطی برای حصول به قطع درگیرها را در بر می گیرد. و در عین حال آن شرایط دمکراتیکی را در مد نظر دارد که بر بنیان پذیرش چنین آتش بسی می باید

عملیات پیشمرگان فدایی

طی یک عملیات تعرضی پیشمرگان فدائی
پایگاه "برده دولت" در منطقه بانس
درهم کوبیده شد

عملیات تهاجمی پیشمرگان فدائی
علیه پایگاه "کانی بی"
در منطقه بانس

روز ۱۲ مرداد ماه دسته ای از پیشمرگان فدائی با طرحی دقیق و از پیش تعیین شده، پایگاه "برده دولت" در کنار جاده آرسره - گرماب را مورد تهاجم قهرمانانه قرار داده و زیر آتش سلاحهای خود گرفتند. پیشمرگان فدائی را در ساعت ۱۲ شب با استقرار در نقاط مختلف مسلط بر پایگاه مزدوران با شلیک آرمی جی عملیات خود را علیه مزدوران سرکوبگر آغاز کردند. در نخستین لحظات عملیات شگرهای نگهبانسی مزدوران پایگاه با آتش سلاحهای پیشمرگان فدائی که از فاصله نزدیک آنها را هدف گرفته بودند درهم کوبیده شد.

فرش سلاحهای پیشمرگان فدائی همراه با طنین شعارهای انقلابی و فریادهای درود بر فدائی، مرکز پر رژیم جمهوری اسلامی سکوت شب را شکسته و لوله مرگ در میان آنان انداخت.

مزدوران رژیم در حالیکه بکلی غافلگیر شده بودند، آنگاه سرگوند و گنشی را از دست داده و در زیر رگبار کوبنده سلاح فدائی پیشمرگان فدائی، وحشت زده و بی هدف به این سوی و آن سوی پایگاه می دویدند و وحشت و هراس خود را به نمایش می گذاشتند.

طی این عملیات قهرمانانه که حدود نیم ساعت به طول انجامید، تعداد زیادی از نیروهای سرکوبگر به هلاکت رسیده و یا زخمی شدند. مزدوران رژیم تنها در لحظات پایانی عملیات امکان عکس العمل یافته و شروع به شلیک بی هدف آرمی جی، کالیبر ۵۰ و نیز خمپاره باران شدند. منطقه نمودند و این در حالی بود که پیشمرگان فدائی بعد از انجام موفقیت آمیز عملیات همگی سالم منطقه را ترک می کردند.

روز ۲۹ تیرماه، پیشمرگان فدائی طبق یک طرح حساب شده عملیاتی، با استقرار در نزدیک ترین مواضع مسلط بر پایگاه "کانی بی" ضربات خردکننده ای بر آن وارد آوردند. طی این عملیات غافلگیرانه، ابتدا در اثر شلیک بی دریغ چند راکت آرمی جی توسط پیشمرگان فدائی، ضمن وارد آمدن ضایعاتی به دشمن، بخشی از تاسیسات این پایگاه به آتش کشیده شد که تا ساعتها پیر از نید تب نیز شعله های آن از مسافت دور دیده می شد.

این حمله برق آسا مزدوران رژیم را هراسان نموده و آنها را به تکلیف واداشت. در همین حال شدت آتش مسلسل های یک دسته دیگر از پیشمرگه های فدائی، تا دقایق پایانی عملیات ایگان هرگونه ترمک و تکران عملیاتی را از مزدوران رژیم سلب نمود.

در این عملیات که نزدیک به نیم ساعت بطول انجامید، ضمن تخریب بخشی از پایگاه "کانی بی" تعدادی از مزدوران مستقر در آن به هلاکت رسیدند.

مزدوران مستقر در پایگاههای اطراف به محض اطلاع از عملیات پیشمرگان فدائی، به سمت یک ساعت با سلاحهای خمپاره انداز، دوشک، آرمی جی و قسامه به آتشباری در اطراف پایگاهها دست زدند. شدت آتش موزی ناشی از حمله پیشمرگان فدائی به این پایگاه به حدی بود که شعله های آن تا ساعتها بعد از نیمه شب نیز همچنان زیاده می کشید.

در این عملیات موفقیت آمیز هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیامد و عمق در میان استقبال گرم و پر شور مردم سالم به قرارگاههای خود بازگشتند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته گردستان
۲/ مرداد ۶۴

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته گردستان
۱۵/ مرداد ۶۴

پیشمرگان فدائی

با به کنترل درآوردن جاده "آرمیده -
پلکه"، پایگاه مازویند را زیر آتش
سلاحهای خود گرفتند!

روز چهاردهم مرداد ماه، چند دسته از
پیشمرگان فدائی طی یک سلسله عملیات تعرضی
به هم پیوسته، ضربات کوبنده‌ای را به نیروهای
سرکوبگر رژیم در کردستان وارد ساختند.

پیشمرگان فدائی در قسمتی از عملیات
خود، بعد از قطع سیم‌های شبکه ارتباطی میان
پایگاه‌های واقع در محور جاده آرمیده پلکه در
منطقه بانه، در ساعت ۳۰/۵ دقیقه بعد از ظهر
جاده مذکور را تحت کنترل خود درآوردند و بدین
بازرسی اتومبیل‌هایی که در این جاده در تردد
بودند دست زدند.

پیشمرگان فدائی، همزمان با این اقدام
جسورانه که حدود ۲ ساعت بطول انجامید، ضمن
سخنرانی برای مسافران، با پخش نشریات و
اعلامیه به تبلیغ اهداف و برنامه سازمان
مبادرت ورزیدند.

در آخرین لحظات پایانی کار توضیحی رفقای
منتظر در جاده، "پایگاه مازویند" که محل استقرار
تعدادی از مزدوران رژیم است، طی دو حمله
جسورانه توسط پیشمرگان فدائی محاصره، و
به زیر آتش گرفته شد.

در این عملیات جسورانه، چند سنگر دیدبانی
مزدوران و نیز مرکز استقرار گروه تائین پایگاه
در هم کوبیده شد. و تعدادی از مزدوران سرکوبگر
رژیم به هلاکت رسیدند.

بعد از خاتمه عملیات، دشمن سراسیمه
دست به خمپاره باران بی هدف منطقه زده، دیوانه
- وار تمامی منطقه را زیر آتش شدید خود گرفتند
که هیچگونه صدمه‌ای به مردم زحمتکش منطقه و
پیشمرگان دلیر فدائی وارد نیامد.

پیشمرگان فدائی بعد از انجام این سلسله
تعرضات جسورانه همگی سالم به محل‌های قرار
خود بازگشتند.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
کهنه کردستان

۱۲/ مرداد/ ۶۴

طی تعرض جسورانه پیشمرگان فدائی
قسمتی از تاسیسات پایگاه "بنکی" در منطقه
بانه منهدم شد و تعدادی از مزدوران مستقر
در پایگاه به هلاکت رسیدند!

روز ۱۶ مرداد ماه ۱۳۶۴، پیشمرگان فدائی،
با شناسائی دقیق و طبق یک طرح عملیاتی، مزدوران
مستقر در پایگاه "پلکه" را مورد تعرض شدید قرار دادند.
در این عملیات جسورانه، پیشمرگان فدائی، پس از
استقرار در مواضع مسلط بر پایگاه، در ساعت ۷ بعد از
ظهر، با شلیک موشک‌های آر.بی. جی ۷ پایگاه
مزدوران را به زیر آتش گرفتند و با سرعتی برق‌آسا
قدرت هرگونه عکس‌العملی را از آنان سلب نمودند.
پاسداران سرکوبگر رژیم که تا قبل از آغاز
عملیات، در پناه استحکامات نظامی خود انتظار لیسن
حمله غافلگیرانه را نداشتند، در زیر آتش رگبار
سلاحهای پیشمرگان فدائی انکار هرگونه تحرکی را
از دست دادند.

پیشمرگان فدائی به مدت نیم ساعت در حالیکه با
رگبار بی‌امان خود قبضه مزدوران را نشانه می‌رفتند، با
کنترل دقیق حرکات داخل پایگاه، وفق شدند ضربات
خردکننده‌ای بر آن وارد آوردند.

در این عملیات ضمن به هلاکت رسیدن تعدادی از
مزدوران سرکوبگر، قسمتی از پایگاه منجمه تاسیسات
آن در اثر آتش سلاحهای پیشمرگان و اصابت موشک
آر.بی. جی منهدم گشته و در آتش سوخت.

پس از پایان این عملیات ضروری، در حالیکه
پیشمرگان فدائی، سرافرازانه و به سلامت منطقه عملیات را
ترک می‌کردند مزدوران فرصت آنرا یافتند که بی هدف
بدون آن که مسیر عقب‌نشینی پیشمرگان را تشخیص داده
باشند منطقه را با شلیک آر.بی. جی، خمپاره، کالیبر ۵۰،
دوشکه و تیربار قتلعه به زیر آتش گرفتند. وحشت و هراس
مزدوران به حدی بود که ساعتها پس از عملیات و تائیمی
از شب از اقدام جنون‌آمیز خود دست برنداشتند و با
شلیک خمپاره‌های منور و روشن ساختن تمامی اطراف
پایگاه وحشت خود را از حمله مجدد پیشمرگان به نمایش
گذازدند. طی این عملیات هیچگونه آسیبی به پیشمرگان
فدائی وارد نیامد و در حین بازگشت مورد استقبال
صمیمانه مردم منطقه قرار گرفتند.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
کهنه کردستان

۱۶/ مرداد/ ۶۴

ارصفحه ۱

درگیری های حزب و کومه له

جنگ ادامه کدام سیاست؟

جنبش کنونی را نیز عرضه نموده است، اما در همین زمینه نیز با ارائه مبانی نظری خاص خود، به تنها چیزی که نپرداخته است، ریشه یابی عمیق درگیریهایی است که تداوم آنها، و برخورد مشخص به ضرورت قطع فوری آنها از نقطه نظر ضروریات عینی و عملی جنبش است. کومه له یکبار دیگر آشکار ساخته است که تا چه حد از درک عمیق و عینی و نه سطحی، الزامات جنبش انقلابی خلص کرد و روند رشد درونی آن عاجز است (امری که دیگر بیانگر مشخصه ذاتی کومه له گشته است)، چقدر معادلات عینی جنبش را در معادلات ذهنی خود و امور واقعیات شیرین تصورات و تخیلات شیرین خود تحلیل می برد. و از همین رو نیز سیاست عملی خود را نه از تحلیل مسائل عینی، بلکه از داده های فرضی خود نتیجه می گیرد.

نگاهی به اسناد پلنوم روشن می سازد که کومه له در ادامه جنبش رونیستی و در کارست جنبش شیوه برخوردی چگونه از یک سو از "تعمیق صرف بندی طبقاتی در جنبش سخن می گوید و در عدم توانایی تحلیل این "تعمیق" آنها را از "بسط و تعمیق فعالیت حزب" خود نتیجه می گیرد، بدون آنکه قادر باشد محصول عینی و عملی این "بسط و تعمیق" را در عناصر مادی معینی در جنبش کنونی، جز در انعکاس روانشناختی آن یعنی در "نگرانی" حزب دمکرات، آشکار سازد. و در ادامه جنبش درکی از تعمیق در صرف بندی طبقاتی جنبش هم هست که کومه له عامل پیشبرنده آن را فعالیت افشاگرانه خود از طریق "زیر سوال بردن سیاست های حزب دمکرات می داند و نه این یا آن اقدام طبقاتی معین و درست از همین

رو نیز این یا آن تمایل خود با فلان گرایش حزب دمکرات را عین رهبری تمایل طبقاتی عشق صرف بندی طبقاتی مورد نظر خود و نتایج حاصل از آن محسوب می دارد. طبیعی است که از چنین نقطه نظری خود را محور و قطب اصلی چنین تعمیقی بیندازد و از پیرداختن به واقعیات جنبش طفره رود. بدون آنکه قادر باشد حتی یک مورد از تملورات چنین تعمیقی را که مسلماً بیان عینی و عملی خود را در مبارزه کنونی باید داشته باشد، عرضه نماید. جز همین درگیری های خود با حزب دمکرات که مسلماً نه محصول تعمیق و رشد درونی جنبش و خلص پیشانی آن، بلکه عامل بازدارنده آن در شرایط کنونی نیز هست. و در شرایط فقدان یک صرف بندی واقعی و نه خیالی کومه له، عملاً جنبش کنونی را به سوی تحمیل ضرایب مصلحتی نیز سوق می دهد. درگیری هایی که اینک بیش از هفت ماه است همچنان ادامه دارد و جز در یک ماهه اخیر، در طول شش ماه گذشته شدت ادامه داشته است و امکانات و پتانسیل درونی هر دو نیرو را به خود مشغول داشته و تأثیرات مهمی را در کاهش قدرت تهاجمی پیشمرگان خلق کرد بر جای گذاشته است، و بعنوان یک گره گاه اصلی در روند کنونی جنبش انقلابی خلق کرد مطرح بوده و هست.

در طول هفت ماه گذشته، علاوه بر خود این درگیری ها، جنگی برخورد با آنها، و تلاش در جهت پایان دادن به آنها و موضع گیری در قبال آنها یکی از مهم ترین مسائل در سطح جنبش انقلابی خلق کرد بوده و هست که مصوبات پلنوم اخیر کومه له نیز بعنوان آخرین

مواقع این نیرو از این نقطه نظر که حاوی چه برخورد معینی به این درگیری هست حائز اهمیت است.

از این نقطه نظر یعنی چگونه برخورد به ریشه یابی درگیری ها و ارائه راه حل برای آنها نیز هست که چرخش اخیر در طرح پیشنهادی پلنوم کومه له در برخورد به تنظیم ضابطات سیاسی با حزب دمکرات کاملاً قابل تأمل است. کومه له قبلاً خواستار آن بود که "اتریش بدون قید و شرط بپذیرد" و توافقاتی بی اساسی در زمینه های اصلی مورد اختلاف به امضاء رسانیده یا تعهداتی از جانب "طرفین" در این زمینه صورت گیرد.

(پیشرو شماره ۷) اما امروز در پلنوم خود شکل بیان خود را تغییر داده، همان اصول را به صورت مطالبات جنگ، خود با حزب دمکرات درآورده و اعلام داشته است که:

"برای تنظیم و حفظ مناسبات سیاسی و جلوگیری از درگیری های فیمابین، ضروری است که حزب دمکرات موارد زیرین را رسماً بپذیرد و اجرای عملی آنها را تعهد نماید."

(چند سند از پلنوم کمیته مرکزی کومه له صفحه ۱۰ تاکید از ص ۱)

و سپس سه اصل پیشنهادی سابق خود را بصورت سه شرط "برای جلوگیری از درگیری ها" با حزب دمکرات و بعنوان مسائلی که باید حزب دمکرات تعهد رسمی جهت "اجرای عملی" آنها را به کومه له بپردازد، مطرح ساخته است و امضای "توافقنامه های لازم با حزب دمکرات" در این زمینه اعلام داشته است.

کمیته مرکزی کومه له در پایان از توده های زحمتکش و مبارز کردستان و نیز از همه نیروهای سیاسی طرفدار آزادی و انقلاب خواسته است که:

"حزب دمکرات را بصرای قبول اتریش بدون قید و شرط و نیز قبول تعهدات فوق تحت

رهبری طبقه کارگر

فصلی از تاریخ مبارزات ضد استعماری و فاشیستی - دهه گرانیک خلق های ایران است.

درگیریهای حزب و...

فشار بگذارند.
(همانجا صفحه ۱ تاکید ازما)

لین شیوه برخورد به مصالحه
آتش بر سر اصولی که می پایید
بر مبنای آنها مناسبات سیاسی
فیمابین نیروها تنظیم گردد،
کماکان در شیوه برخورد همان
برخورد حزب دمکرات را صدایی
می کند که خواستار تعهدات لازم
یعنی تسلیم بی قید و شرط
کومه له و امضای توافقنامه های
لازم در زمینه نفی دیدگاههای خود
و تسلیم دست بسته به رهبری
حزب دمکرات بود. امروز نیز
کومه له از حزب دمکرات می خواهد
که "تعهد" را "رضا" بپذیرد و
به کومه له اطلاع بدهد تنها
توافقنامه های لازم را با او امضا
نماید. کومه له با این شکل و
شیوه برخورد حقیقت هرگونه
اصول مورد نظری را نیز مخدوش
می سازد و در عمل قبل از همه
ادامه درگیریهایی را قطعی می سازد
تا راهی برای پایان دادن به
درگیری ها بگشاید.

این برخورد کومه له و شیوه
حاکم بر آن صلاصت "رهش" در
چگونگی برخورد کومه له به علل
و سابقه درگیریهایی کنونی و
مسائل اساسی این درگیریها
دارد. که نگاهی به سند دیگری از
همین پلنوم محتوای واقعی این
وضعگیری و دیدگاه حاکم بر
آن را هرچه بیشتر روشن خواهد
ساخت.

کومه له در بخشی از قطعنامه
مربوط به "جنگ جاری میان
کومه له و حزب دمکرات" دلایل
طرح شعار آتش بر سر بدون قید و
شرط از سوی خود را چنین
فرموله می کند:

"از آنجا که ما به حقیقت و

انطباق کامل برنامه، سیاستها،

و شعارهای خود با مصالح جنبش

خلق کرد، اعتقاد تام داریم، لذا

خواهان قطع جنگ و پیشبرد سیاسی

و مسالمت آمیز مناسبات و مبارزه

سیاسی بین احزاب سیاسی در
کردستان هستیم.

(همانجا صفحه ۶ تاکید ازما)

همین استدلال کومه له
بخوبی روشن می سازد که مبنای
طرح شعار آتش بر سر برای
کومه له چیست؟ مناسبات جنبش
انقلابی در کردستان و یا "فتنای
تام" کومه له به "انضباط کامل"
سیاستهای او بر "اصالح جنبش
خلق کرد"؟ در حقیقت کومه له
به روشنی در این گفتار آشکار
ساخته است که نقطه عزیمت او
همان "اعتقاد تام" او بوده
"انطباق کامل" سیاستها و شعار
های خود او بر مصالح جنبش
است، تا مصالح جنبش و همانطور
که خود نیز در عبارت ذمیمه
استدلال خود در مورد آتش بر سر
و قطع درگیریهایی افروخته است، تنها
وضعیت ناشی از همین اعتقاد
اولیه او را استنتاج سیاسی
حاصلیه از آن است که "به نفع
جنبش انقلابی خلق کرد در کردستان و

درگیری های حزب دمکرات
و کومه له نه محصول جمعیت و
رشد درونی جنبش و وحدت
پشتتار آن؛ بلکه عامل اصلی
بازدارنده آن، در شرایط
کنونی نیز هست. و در شرایط
فقدان یک صف بندی واقعی
و نه خیالی کومه له عمده سلا
جنبش کنونی را به سبب حاصل
ضرورت مصلحتی نیز مستحق
می دهد.

مصالح انقلاب در برابر ایران است.

هرتوضیح جدی دارد ولی
توضیح کومه له دیگر جای خاست
خود دارد که در پی حد و مرزی،
روی دست هر جریان و هر کسی
زده است. کومه له در چنین
برخوردی در حقیقت آن رشته اصلی
سیاست های خود را در دست گرفته
است که مبنای آن را جایگزینی
کومه له و مصالح آن، با هرگونه
پاراشر موجود در جنبش تشکیل میدهند
این انطباق برنامه و سیاست
کومه له با مصالح جنبش است و
این اعتقاد تام و تمام کومه له
به چنین انطباقی است که آتش بر سر
را ضروری ساخته است نه ضرورت
مبارزه کنونی و وضعیت عمومی
جنبش. در معادلات کومه له
همیشه منافع و اهداف جنبش و
نوده ها جای خود را با منافع و
اهداف کومه له تعویض نموده
است و در یک کلام هرگونه حد و
خود را به کومه له تفویض نموده
است، امری که کومه له ابرار را

به زور شمشیر آن را برهمنان
بقتل آورد. طبیعی است که کومه له
در چگونگی حصول به قطع درگیریها
هم این شیوه را به کار گرفته
"تنها راه انقلاب برای پایان
دارن به درگیری ها را نیز از
همین تبدیل به امرن خسته
نتیجه گیری نماید. کوش کنید.

"لذا در وضعیت فعلی تنها
راه انقلابی برای خاتمه دادن به
جنگ جاری عبارت است از شکست
سیاستها و اهداف سیاسی ضد
انقلابی حزب دمکرات از طریق
کسب پیروزی در جنگ جاری.

(همانجا صفحه ۷ تاکید ازما)

بی جاست نیست که کومه له با
فراموش کردن نقش سیاستهای
خود در ایجاد وضعیت کنونی، تمام
هم و غم خود را به کار گرفته است
که بیشترین بهره برداری از جنگ
کنونی را بشی به قیمت اداسه
ناگزیر و لاانقضاء وضعیت کنونی
هم شده، با نفع "برنامه" سیاست
و شعارها و "خود بنماید. پس برای
کومه له به هیچ وجه احسان و
حیات جنبش کنونی به عنوان
بستر اصلی پیشرفت هرگونه
برنامه و شعار و سیاست درستی
و درگیریهای حاضر آن را بسته
مخاطره انداخته است.
اهمیت و ارتباط چندانی با
تداوم جنبش کنونی ندارد. در
شیوه برخورد کومه له خود او
محور تمامی تحولات در جنبش
کنونی و عین مناسبات و اهداف آن
است. قطع این درگیریها تنها
زمان مطالبه است که پیروزی
خود کومه له بر حزب دمکرات از
طریق "مصلحت" کردن حفر
دمکرات به "ثباتی" خود را از
"حقیق نظامی" بدست آمده
باشد. برای همین هم کومه له
نیازی به این یا آن برخورد
سیاسی و اهرم سیاسی و توده ای
ندارد. در سیاست کومه له
توده ها همیشه غایب اند و تنها
در شعارها و ادعاهای او حضور
دارند. کومه له نارود نیست
همیشه جانشین بالفعل توده
هست. این است رمز تمامی
سیاست های آوارشی و خودشیفتگی
- های دور و دراز کومه له که
دیگر به سیاست و مصلحت این
سازمان تبدیل شده است. و
همین دلیل نیز بیان و شیوه
برخورد کومه له در سیاست های
امروز خود در قبایل درگیری های
حاضر نیز بر سر از آن که خواهد

درگیریهای حزب و...

حزب دمکرات محدودیت‌هایی
معینی را تحمیل می‌کند...

بسط و تعمیق فعالیت
کمونستی حزب ما در کردستان

و هم چنین بسط نفوذ سیاسی
و نظامی کومه له، منافق و

سیاستهای حزب دمکرات را هر
چند بیشتر به زیر سوال می‌برد و

صف بندی طبقاتی را در جنبش
انقلابی نیز تضعیف می‌کند.

(همانجا صفحات ۴ و ۵
تاکیدها از ما)

حال نگاهی به شرایط سیاسی -
اجتماعی "مورد نظر کومه له،

باید در حقیقت آن زمینه ای را
نشان بدهد که اهداف و...

شده در آن بد این درگیری
مکان و معنای "تمایز" داده

است. آنچه که به تحلیل کومه له
از حزب دمکرات مربوط می‌شود،

ظاهراً هیچ تغییری حاصل
نشده است و حزب دمکرات تغییر

ماهیت نداده است، جز این که
سیاستهای آن توسط "بسط و

تعمیق فعالیت" و "هم چنین بسط
نفوذ سیاسی و نظامی کومه له،

"به زیر سوال" برده شده است.
البته در کنار این خودستایی‌ها

و در لایه ای "بسط و تعمیق
فعالیت" و "بسط نفوذ کومه له

گویا "سیر تعمیق و تثبیت
مطالبات دمکراتیک انقلابی

به عنوان اهداف و مضمون جنبش
انقلابی خلق کرد" نیز نقشی

داشته است یا اصولاً "چنین
سیری هم فقط محصول "بسط و

تعمیق فعالیت و بسط نفوذ کومه له
بوده است. که علاوه بر "زیر

سوال" بردن سیاستهای حزب
دمکرات، صف بندی در جنبش

انقلابی را "نیز" تعمیق بخشیده
است. خواننده قطعاً حتماً

باید به این "نیز" ناقابل
کومه له دقت کافی مبذول دارد

تا رمز قهرمانی ترسه له در
زیر سوال بردن این یا آن

سیاست در برابر "صف بندی

بسیج حول این یا آن سیاست را
داشته باشد هدف نهیج خود

کومه له را دنبال می‌کند.
خودستایی‌ها و خود محوریتی‌های

حاکم بر مواضع کومه له، عاری از
عنصر پیشرفتگی سیاسی و عملی

این نیرو و بیان دقیق
وضعیت طبقاتی مشخص آن است.

این تمایل ذاتی کومه له در
روشنه یابی درگیری‌های حاضر نیز

ردپای خود را همیشه "برجای
می‌گذارد.

کومه له در مورد درگیری
کنونی می‌گوید:

جنگ جاری... گذشته از
طول و دامنه بی سابقه آن اهداف

شعارها و خواسته‌های سیاسی مطرح
شده از جانب طرفین، بر زمینه

شرایط و تحولات سیاسی اجتماعی
معینی مطرح می‌شوند که به

جنگ جاری مکان و معنای سیاسی
اجتماعی تمایزی از درگیری‌های

گذشته داده است و این خود
بیانگر وجود علل و اهداف سیاسی

نیرومندی در پشت این جنگ
می‌باشد.

(همانجا صفحه ۴ تاکیدها از ما)
برای هر خواننده ای در اولین

پرخود با این منظور قطعاً
کومه له، این سوال پیش می‌آید

که نقش آن "شرایط و تحولات
سیاسی - اجتماعی" مورد نظر

کومه له چه هست که "گذشته از
طول و دامنه" درگیری کنونی،

"مکان و معنای تمایز" آن با
درگیری‌های مشابه گذشته را

توضیح می‌دهد و آن "علل و
اهداف سیاسی نیرومند پشت این

جنگ" کدام هستند؟
برای آن که این گونه سوالات

پاسخ خود کومه له را دریافت
دارد مطالعه قطعاً خود

کومه له را ادامه می‌دهیم تا
روشن شود که "شرایط و تحولات"

مورد نظر کومه له چیست.
حزب دمکرات، به حکم واقعیت

عینی و نقش سیاسی خویش در این
جنبش می‌باید اهداف بورژوازی

را تحت نام اهداف جنبش و
منافع مردم به پیش برده و این

واقعیت پر عملکردهای سیاسی

طبقاتی "کمرنگ نشود. کومه له
در این فرمول بندی، "زیر سوال"
رشته این یا آن سیاست را قبل
از آن که نتیجه و محصول صف بندی

طبقاتی بدانند، صف بندی طبقاتی
را فرع بر زیر سوال بردن

می‌سازد تا نقش "قهرمانان"
فراموش نشود و کومه له بسط

و تعمیق "فعالیت" خود و "بسط
نفوذ خود" را در برهه فراموشی

نهارد.
اما تحلیل کومه له از

"شرایط و تحولات" مورد نظر
خود به اینجا ختم نمی‌شود، او

ادامه می‌دهد:
پیچیده شدن شرایط

جنبش خلق کرد و سرخوردگی
حزب دمکرات از امکان موفقیت

شورای ملی مقاومت، حزب
دمکرات را... هر چه بیشتر

نگران کاهش نفوذ و از دست
رفتن موقعیت خویش در

کردستان می‌سازد.
از یک طرف حزب دمکرات

برای نزدیکی با این یا آن جناح
بورژوازی جهانی و یا برای

گشودن باب سازش و مصالحه با
رژیم جمهوری اسلامی، هر چه

بیشتر محتاج این است تا خود
را قدرت فائق در کردستان و

صاحب اختیار جنبش خلق کرد
نشان دهد و از طرف دیگر نفوذ

فزاینده سیاستها و شعارهای
کومه له تاثیرات محدود کننده

بسیار است. حزب دمکرات را بیش
از پیش خنثی می‌کند.

(همانجا صفحه ۵ تاکیدها از ما)
کومه له بجای تحلیل پیچیده

شدن شرایط صورت نظر خود
در جنبش خلق کرد، به شکست

این یا آن سیاست حزب دمکرات
و انعکاس روانشناختی آن در حزب

دمکرات برداشته "نگرانی" او
را تشویه می‌کند و سپس در

جمع بندی خود از این شرایط
پیچیده نتیجه می‌گیرد که در

یک طرف عادلانه شرایط پیچیده
کومه له، حزب دمکرات قرار

دارد که "برای نزدیکی به این

درگیریهای حزب و...

یا آن جناح پیروروزی جهانی و یا برای کشورین باب سازند و مصالحه با رژیم "حتاج" آن است که خود را قدرت فائقه و صاحب اختیار جنبش خلق کرد نشان دهد که با قدرت خفنی "کننده" نفوذ فزاینده "کومه" در طرف دیگر معادله مواجه شده و در این جنگ تن به تن "تائیرات" محسوب کننده "خود" را از دست می دهد و از اوضاعی احتیاج خود باز می ماند و معادله پیچیده کومه له حل شده فرض گرفته با پیروزی "نفوذ فزاینده" قهرمان داستان به خیر و خوشی به اتمام می رسد.

از این خود مغفولی ها و خود مغفونی ها که بگذریم رفقای کومه له بالاخره تکلیف ایمن پیچیدگی در شرایطی که می شود این پیچیدگی چگونه در قصد و عرضی های پرشمرده حزب دمکرات انعکاس پیدا می کند. یک مساله اینجا مبهم است، بالاخره به نظر شما حزب دمکرات برای آن نزدیک و یا این کشورین باب سازند می خواهد خود را قدرت فائقه نشان دهد و این تحولات سیاسی - اجتماعی مورد نظر شما آیا چیزهای جدیدی در مورد حزب دمکرات هستند که این درگیری را با درگیری های گذشته تضایق می سازند. یا شاید منظور شما از طرف دیگر مورد اشاره در همین جمع بندی است که در آن تنها امر مورد استناد شما برای تحولات سیاسی - اجتماعی مورد نظر فقط و فقط "نفوذ فزاینده" سیاست ها و شعارهای کومه له است. آیا نمی توان این نتیجه را گرفت که آن شرایط و تحولات اجتماعی مورد نظر کومه له در تحلیل نسبی همین "نفوذ فزاینده" کومه له و عامل خفنی سازی آنها بر روی تاثیرات محدوده کننده "سیاست های حزب دمکرات است، و اگر نه تحلیل شما هیچ تفسیر و تحول محسوس دیگری را نشان نمی دهد. مگر یک مورد جدائی حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت و برخوردگی ناشی از آن، و اگر این تحولات پیچیده مورد نظر شما را در مورد "نفوذ فزاینده"

تلاش حزب دمکرات برای نزدیکی و "گشایش باب سازند" را معیار و ملاک سنجش آن اهداف و شعارها و خواسته های سیاسی مطرح شده از جانب طرفین در جنگ جاری محسوب داریم، شایسته این سنجش نسبت به گذشته هیچ تغییر معینی را که بیانگر وجه تمایز باشد، نشان نخواهد داد.

ولی برخلاف درک و تحلیل کومه له، این تفسیر و تحولات در سیر کنونی جنبش و الزامات عینی و عملی آن و در راستای پیشرفت سرخشانه آن قابیل تضحیح است، تا در این یکا آن "سط و تعمیق فعالیت" کومه له و "محدودیت" این یا آن سیاست و "نگران" حزب دمکرات و غیره و مهم ترین که این سیاست ها و برخورد های نیروهای از قبیل کومه له است که قادر به پاسخ روشن به آن نیست. جدائی حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت در حقیقت قبل از همه بن بست برنامه حزب دمکرات در پاسخ گوئی به نیازهای کنونی جنبش است، همانگونه که خود ستائی کومه له محمول ناگزیر عدم درک او از روند عمومی و قانونمندیهای حاکم بر همین جنبش است. و اگر در شرایط سیاسی - اجتماعی امروز یا شرایط مربوط به درگیری های گذشته تفاوتی وجود

الکانه پذیر نیست، و این امر جینی نیست جز تحمیل جبری پیشرفت جنبش در عرصه های مختلف بر کمرانی که از درک قانونمندیهای حرکت هدفمند آن عاجز هستند و همچنان ابرار بر ادامه ی برنامه خود با عنوانی از قبیل برنامه سیاست منطبق بر مصالح جنبش هستند دارند. بدون آنکه این انطباق را در تلبیری غیر از همین درگیری ها، نشان دهند. بدون آن که توضیح دهند که درگیری صراحتی کنونی محمول کدام درگیری های معین در عرصه تقابل دو سیاست در بطن جنبش کنونی و در روند تعمیق آن در زمینه عینی آن است.

بدون تردید تعمیق در جنبش کنونی صورت گرفته است. شالوده های یک برنامه دمکراتیک و انقلابی در گوران شش سال مبارزه حاد در درون جنبش انقلابی خلق کرد پی ریزی گرفته است و توده ها قبل از همه در تجربه سیاسی خود به آموزشهای متحرکی دست یافته اند. اما درگیری های حزب دمکرات و کومه له ضرورت این تعمیق و محمول بلا فصل آن نبوده و نیستند، به همانگونه که هیچ کدام از این دو نیرو عنصر هدایت چنین تعمیقی نبوده و نیستند. برعکس درگیری های کنونی حزب

در شیوه برخورد کومه له خود او محور تمامی تحولات در جنبش کنونی و همین منافع و اهداف آن است. قطع این درگیری ها تنها زمانی مطلوب است که پیروزی خود کومه له بر حزب دمکرات از طریق "مقتل" کردن حزب دمکرات به "تائوانی" خود، از "طریق نظامی" بدست آمده باشد. برای همین هم کومه له نیازی به این یا آن برخورد سیاسی و اهرم سیاسی و توده ای ندارد. در سیاست کومه له توده ها همیشه غایب اند و تنها در شعارها و ادعاهای او حضور دارند. کومه له ناوود نیست همیشه جانشین بالفعل توده ها است.

دمکرات و کومه له دقیقاً نمایندگان الزامات چنین تعمیقی و چشم اندازهای آن و محمول عدم تطابق برنامه ها و اهداف مورد نظر هر دو نیرو با چنین تعمیقی و نماینده بحران درونی جنبش کنونی و آره گاه اساسی آن هستند این درگیری ها نه محمول هدایت هدفمند جنبش انقلابی خلق کرد، بلکه کاملاً برعکس، بیان هدایت کور و خالی از محتوای دمکراتیک آن، بیانگر بوی گداز سیاسی است، موجود هر دو نیرو در برخورد به اهداف و نتایج نیست، آن هستند. این درگیری ها

دارد، که قطعاً وجود دارد، تنها در این واقعیت بیان خود را روشن می سازد که دیگر به شیوه گذشته نمی توان با این درگیریه برخورد نمود. دیگر جایی برای ادامه هر از چند گاهی و کور آنها باقی نمانده است. دیگر نمی توان به شیوه های محمول و نیم بند خانوادگی به آنها پاسخ داد. و دور از انظار جنبش به شیوه کدخدا مناشانه صلح و صفای برقرار نمود. درگیری های کنونی از این جنبه تمایز از درگیری های گذشته هستند که بدون یک راه حل اصلی دیگر مهار آنها

درگیریهای حزب و...

حاضر و در درگیری های بین حزب دمکرات و کومه له درغیاب توده ها بنحوی احسن خود را به نمایش می گذارد. برای حزب دمکرات و کومه له مردم کردستان با تمام استواری آهنگین خود در مبارزه چندین سال اخیر، تنها تا اینجا مطرح بوده و هستند که این دو جریان هر کدام به نحوی خود را نمایندند. تام الاختیار آنها محسوب دارند، بدون آن که در سیاست و عمل قادر باشند نمایندند. صف بندی مشکلی در این جنبش باشند و یا در جهت سازماندهی درونس امکانات بالبقوه و بالفعل جنبش کنونی و در عرصه ایجاد تحولات معینی در کردستان جایگاه خاص خود را اشغال نمایند. طبیعی است که در جنبش شرایطی، باید شاهد نبرد شناگران صاهر در عرصه جنگ تن به تن در برکه ها بود تا در آقیانوس توده ها، کیه روشن می سازد چه کسی بر آنچه که می گوید و انعا می کند، عمل نیز می کند. و تناسب با همین عملکرد خود نیز به "اعتقاد تام" یا "انطباق کامل" می رسد. طبیعی است که جایگزینی اولی به جای دومی، امری ضحك و گاسلا "ترانیک" (دریک جنبش عمومی) خواهد بود. برای درک عصب آنچه که صورت گرفته است و آنچه که در اعضاها جریان دارد، کافی است موقعیتی را در نظر بگیرد که اکثریت مناطق کردستان تحت کنترل مستقیم جنبش بود و هنوز رژیم جمهوری اسلامی، نتوانسته بود مناطق آزاد را محدود نماید و انگاه به اقدامات انجام شده در طول همین دوران حاکمیت مستقیم سرانجام نمایند تا به پیمان کار دمکراتیک هر کدام از نیروهای موجود به دست آید، و همچنین روشن شود که اختلافات در آن زمان در چه سطحی و بر سر چه سائلی بوده است. طرح شعار دمکراسی در برنامه سازمانی بدون اقدام عملی در جهت تحقق آن، هرگز نمی تواند پاسخگوی نیازهای جنبش انقلابی در کردستان باشد.

از همین رو نیز هست که برخلاف نقطه نظر کومه له که تحولات در وضعیت سیاسی اجتماعی را در بسط و تعمیق فعالیت خود جستجو می کنند و دلایل عینی تمایز درگیری های حاضر با درگیری های

عقب مانده، به رزوانی متزلزل و بینا بینی يك ملیت تحت ستم یا يك جریان دمکرات خرده بورژواست. که از سوی حزب دمکرات انحصار سیاسی خود را در عدم تحمل هر گونه فضای دمکراتیک آشکار می سازد و از سوی کومه له، در مواجهه متقابل با جنبش سیاستی با استفاده از اولین سائیل دم دست خود تشکیل می دهد و قهرمانی های پشت سر جنبش مواجهه ای. همانقدر جریان نخست وضعیت دلخواه خود را محور هرگونه دمکراسی ای در کردستان می داند و چارچوبی فراتر از آن را تحمل نمی کند، که دومی خود را عین دمکراسی و مدافع يك تنه آن می داند و فاقد درك از هرگونه عنصر دمکراتیک در جنبش توده ای است. ما منکر تاثیر حضور کومه له حتی با مشخصات فکلی آن در فضای دمکراتیک جنبش نیستیم. ولی دمکراسی را محصول کار کومه له نمی دانیم. دمکراسی برخلاف درك کومه له تقابل بین دو جریان سیاسی نیست، بلکه نتیجه تقابل بین اقشار و طبقات مختلف و سازماندهی متج از جنبش تقابلی در عناصر اولیه دمکراتیک يك جنبش عمومی علیه هر گونه تشبیه فرد دمکراتیک است. این شعار دمکراسی نیست که جلوی تعرض به آن را گرفته و وجود و تثبیت آن را تخمین می کند، این ملخ و سرچ دمکراسی نیست که در مقابل فرد دمکراسی سینه سپر می کند. آنچه که باید جلوی تعرض را بگیرد، مسلما تبلور عینی يك شعار در عناصر صادی خود و اراده متشکل توده هاست که باید اهرم مقابله با ضد دمکراسی باشد و درست همین توده های آگاه به منافع خود و متشکل هستند که برای دفاع از حقوق اولیه خود می باید در مقابل هر گونه اقدام ضد دمکراتیک بایستند. زمانی که سر نیزه سرکوب دمکراسی از قراز سر همه آنها به سینه مبلغمین و سرچین دمکراسی رسیده باشد، مسلما دمکراسی مورد تبلیغ و عمل جنبش مبلغمین نمی تواند خالی از همان اشکالاتی باشد که طرف مقابل به حد کافی از آن برخوردار است. امری که در شرایط

بیش از آن که محصول رشد توده های درونی جنبش کنونی باشند، نمایندند. تقابل دو سیاست معین در عرصه های محدودی از اهداف و دستاوردهای آن هستند. از همین رو نیز رعایت دمکراسی سیاسی در صفوف جنبش انقلابی خلق کرد یا عدم رعایت آن تنها ماله مهم این درگیریهاست. دمکراسی سیاسی ای که از حد شعارها در طول شش سال گذشته فراتر نرفته است و هرگز به لحاظ عینی نتوانسته است تبلور مادی خود را در جنبش کنونی پیدا کند، توده های صمیمی را حصول اهداف و مقاصد معینی متشکل نماید. حزب دمکرات همانقدر با اقدامات ضد دمکراتیک خود از مردم کردستان می خواهد همچون او فکر کند، که کومه له با سیاست های انارشستی خود مدعی کسب نمایندگی تام آنان است. کما این که کومه له همانقدر "اعتقاد تام" به "انطباق کامل" سیاستها و شعارهای خود با متافع توده ها دارد که حزب دمکرات به طریق دیگری خود را نمایندند. تام الاختیار مردم کردستان می داند.

جدا از ادعاهای هر دو جریان چه چیزی می تواند بیانگر اقتدار و عملکرد خود آنها به همین خواست و منافع توده ها

این درگیری ها نه محصول هدایت هدفمند جنبش انقلابی خلق کرد، بلکه گاسلا بورژوازی بیان هدایت کور و خالی از مضمون دمکراتیک آن، بیانگر بی کفایتی سیاستهای موجود در دنیوی در برخورد به اهداف و نقطه عزیمت آن هستند.

باشد. آیا این ملاک و معیار چیزی جدا از برنامه و عملکرد هر جریانی است؟ ولی در این زمینه باید دید کدام تفاوت اساسی و ماهوی در بنیان های برنامه ای و عملکرد عینی درونی وجود دارد. حد این تفاوت گاسلا "روشن و منحص است. حزب دمکرات در این عرصه با کومه له همانقدر فاصله دارد که دمکراسی بورژوازی آشکار با دمکراسی خرده بورژوازی در پشت القاط و شعارهای چطوططراق. فاصله این دو جریان فاصله بین يك جریان

از صفحه ۱

انتخابات ریاست جمهوری ۵۵۵

بود و برگزاری چنین انتخاباتی بیش از آن که ضد فریب توده ها را دنبال کند، قصد مقابله با آنها را داشت، قصد تحقیر آراء مردمی را دنبال می نمود که دیگر مدت هاست رای نهائی خود را در مورد نه تنها این یا آن بهره منفور رژیم، بلکه کلیت آن در طول مبارزات انقلابی خود داده اند. لیکن جریان عینی حوادث خیلی پیشتر از آن که رژیم تصورش را بشند، حقاقت خود رژیم را به نمایش گذاشته است و قدرت عظیم اراده انقلابی توده ها در تحریم همه جانبه انتخابات، یگبار دیگر حقاقت خود رژیم را بر خود او گوشزد نمود. امروز که انتخابات به اتمام رسیده است، تایید آن بیش از آن که موفقیتی برای رژیم باشد، بیانگر شکست قطعی او در دست یافتن به هرگونه هدف تبلیغاتی، در جریان این نمایش عجز و ناتوانی خود بود.

اما هر چند رژیم جمهوری اسلامی با تمامی وقاحت خود تلاش نمود از شرکت گسترده مردم در انتخابات سخن بگوید و با تمام پیش صحنه تمهیدات انتخابات، دم از شرکت گسترده مردم نیز بزند و با بی شرمی تمام از برگزاری همین انتخابات فرمایشی در کردستان انقلابی و از شرکت گسترده توده های انقلابی خلق کرد در نمایش انتخاباتی سرکوبگران خود در طول شش سال گذشته، نیز سخن بگوید. ولی هر کس اندک اطلاعاتی از وضعیت فلات بار رژیم در کردستان داشته باشد، و از جنایات شش سال گذشته آن در این خطه و علیه خلق قهرمان کرد آگاه باشد، بخوبی می داند که رای مردم کردستان در مورد جمهوری اسلامی چیست و پاسخ آنها تا کنون به خواستهای ارتجاعی رژیم در کردستان، نه امروز بلکه در تمامی طول حیات آن چه بوده است. و چگونه این عواطفی رژیم در دوران حملات گسترده و هراس آفرین به سران قهرمان خلق

کرد، بر مزدوران سرکوبگر رژیم در سواست کردستان رنگ باخته، و در نفرت عمومی توده های معترض خلق کرد، محو می گردد. رژیم از آراء شهروانی در کردستان سخن گفت که بسیاری از آنها اینک صدمات در زیر بمباران ها به ویرانه مبدل شده و خالی از سکنه گشته اند. از آراء مردمی سخن گفت که حتی به زور اعدام و کشتار نیز نتوانستند به حکومت بر آنها نشده که هیچ، بلکه فساد کوچکترین پایگاههای آنها است و جز پایگاههای مستحکم و تا دندان مسلحی که دیگر امروز زیر ضربات پیشمرگان خلق کرد به زندانی برای خود رژیم، مزدوران آن مبدل گشته اند، هیچ چیز دیگری بدست نیامورده است.

ولی برخلاف تبلیغات رژیم، مجموعه کل آراء تبلیغی خود رژیم هم بخوبی عمق تحریم انقلابی توده ها را آشکار ساخت. و همین تحریم گسترده نیز مترجمین حاکم را مجبور ساخت دست از ۹۹٪ گدائی خود برداشته، تنها به اسلام یک رفتارند و ۱۴ میلیونی انشأ نمایند یعنی حدود ۵۰٪ از آراء کل واجدین شرایط اسلام شده از صحنه خود را جمل نمایند و نه بیشتر.

سرمردان جنایت کار رژیم خود بخوبی از رای مردم و از میزان شرکت آنها در انتخابات قلبی خود آگاه بودند و امروز خود همین انتخابات بیشتر از پیش عمق نفرت توده ها و کینه کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران علیه آنها را، به نمایش گذاشته است. بنا براین از همان آغاز نیز برای آنها ماله آراء مردم مطرح نمی توانست باشد جز در عرصه تبلیغات، بلکه آنچه که مطرح بود این واقعیت بود که چه آرائی و بنام کی و چرا، باید بنام مردم به صندوق های رای بویزند. و رئیس جمهور مستحب خمینی را چگونه از صندوق های رای بیرون بکشند.

واقعیت این است که نتیجه انتخابات قلبی رژیم نه بر سر صندوق ها بلکه زمانی مشخص گشت که خمینی چند ماه پیش زمانی که تزارهای درونی جناح های

حاکم به این شدت خود رسیده بود، آنها را به وحدت برای حفظ نظام دعوت نمود، و با قرار دادن وحشت سرنگونی کل رژیم که امروز تمامی موجودیت رژیم را در بر گرفته است، در مقابل آنها، سرمردان رژیم را که هر کدام در صدر بهره برداری از انتخابات ریاست جمهوری به نفخ جناح خود بودند، به تعیین بر انتخاب خود واداشت و در همانجا ابقای خامنه ای در پست خود را اعلام داشت. و درست بعد از این تعیین تکلیف خمینی و اعمال نفوذ او بر جناح های مختلف نیز بود که دیگر اندیشه ریاست در انتخابات که ملامت شکاف درونی رژیم را هر چه بیشتر در انظار توده ها آشکار می ساخت، کنار گذاشته شد و به دنبال آن شورای نگهبان از میان ۵ نفر کاندیدا، فقط صلاحیت سه نفر از آنها را مورد تایید قرار داد و بر کاندیداتوری بقیه از جمله کاندیدای لیبرال های نهضت آزادی و دیگر هم آنگی ضد انقلابی آنها در ایوانسیون و چهره محبوب امریالیم جهانی نیز، قلم بطلان کشید. شورای نگهبان با این اقدام خود نه تنها اصرارهای برخی جریانات لیبرال، بلکه قبل از همه بیم و هراس مجاهدین خلق را متفلسف ساخت. و در عین حال بر این واقعیت تاکید گذاشت که خمینی نیز آنها گوشزد نموده بود، رژیم جمهوری اسلامی در وضعیت نیست که بتواند حتی کوچکترین تگانی به وضعیت کنونی خود بدهد. هرگونه مانوری در شرایط فعلی صافی با سرک آن در زیر پرورش قطعی توده هاست. و تلاش های مترجمینسی همچون بازرگان و امثالهم نیز نخواهد توانست ذره ای از این وضعیت بکاهد و دردی از جمهوری اسلامی را دوا کند.

اما سه کاندیدای مورد تایید شورای نگهبان نیز، علیرغم تمامی سرسوردگی کامل به حزب حاکم، در عین حال نماینده واقعی بخشی از تضادهای درونی رژیم بودند و هیچکدام از آنها از جناح قدرتمند حاکمیت یعنی جناح رفنجانی و مجلسی، که در حیات قدرت اصلی را بر قبضه خود دارد، نمیدانند.

۲۸ مهر ۱۳۵۸

از رفعت :

به رغم برخورداری از برخی امکانات نظامی، به جای سازماندهی مقاومت نیروهای خودتوده ها در مقابل کودتا، به توده ها پشت نموده و جبهه ها را از سرزدها گریختند و دست کوتاه گران را در سرکوب جنبش انقلابی و استقرار حکومت تروریست خفقان بطور کامل باز گذاشتند.

پس از سرنگونی رژیم شاه و به قدرت رسیدن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی آراء بیست و هشت مرداد، علاوه بر زننده کردن مبارز، فحش در خاطر توده ها، بار آور روز خونین دیگری است برای خلقهای سرافراز ایران و بویژه خلق قهرمان کرد.

روز بیست و هشت مرداد ماه سال ۱۳۵۸، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، بر مبنای فتوای چهار خمینی مرتجع، پیروش وحشیانه خود را علیه خلق مبارز کرد و نیروهای انقلابی آن آزار نمود و در تحمیل جنگی بیرحمانه و خشن بر خلق کرد، از هیچ کوششی فرو گذار نکرد. رژیم در منشر جمهوری اسلامی که بنا به ماهیت ارتجاعی خود نمی توانست شاهد رشد آگاهی کارگران و زحمتکشان سرافراز ایران و از جمله خلق قهرمان کرد باشد، با انگیزه جلوگیری از تسلیح توده ای، ارتقاء آگاهی کارگران و زحمتکشان کرد و رشد کیفی و تعمیق مبارزات آنان، فرمان خمینی جلاد را به اجرا در آورد. با صدور احکام جیل و سرمایه در دیگر سرکوبگران رژیم، در اجرای جنایت کارانه این فرمان، کردستان قهرمان را به خون کشیدند، تا به خیال خام خود، آتش فروزنند و جنبش انقلابی خلق کورد را خاموش سازند.

سرکوبگران جنایت پیشه، با هجوم مغول وار خود به کردستان انقلابی، شهرها و روستاها را خواره باران کرده و توده های مبارز کورد را با هلی کپترهای آمریکائی به رگبار بستند و در انجام این اعمال جنایت آمیز، دست همه اسلاف سنگر خود را از پشت

بستند. با ایجاد رعب و وحشت در شهرها و با اتصال خشن ترین شیوه های تروریستی سرکوب، دست به آنتی تان جنایات هولناکی زدند که ابعاد فاجعه آمیز آن سابقه نداشته است. خلشالی جلاد، با برپا کردن دادگاه های اسلامی، دسته دسته فرزندان راستین خلقهای ایران را به جوخه های مرگ سپرد. مدتها نگر از زحمتکشان کرد گذشته شده و ده ها زندانی کمونیست ها و انقلابیون نیرو باران گشتند. رفقای فدائی، یوسف کیشی زاده، شهریار ناهید، احسن تاهید، جمیل بیخالی، هرمز گرجی بیانی، ابوالقاسم رشید مرداری و ده ها نفر دیگر از رفقا و هموادران سازمان و دیگر نیروهای انقلابی به دست دوحیه های رژیم اعدام شدند. به راستی که سران حکومتی در ارتش این جنایات فحیح روی همه جنایت کاران تاریخ را سفید کردند.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی سرکوب چنین فاجعه دردناکی شد که هنوز پیش از شش ماه از سرنگونی رژیم مستکبر شاهنشاهی توسط توده ها نمی گذشت. توده های انقلابی و متعددی که در سرنگونی شاه از میان رفتن نابرابری، بی عدالتی استعماری و کلیه ظواهر مستکبری را می دیدند، در پیرویه شکل گیری قیام و پیراز آن، دست به ایجاد ارگان های توده ای زد و برای رسیدن به خواست های بحق خود، ابتکار عمل را در بسیاری از کارخانه ها، محلات، ادارات و سایر موسسات بدست گرفتند. خلق کرد نیز برای از میان برداشتن شرایط ننگبار زندگی، فقر و نابرابری، نابودی ظلم و بندگی و بویژه از میان برداشتن ستم ملی به پا خاست و با تکیه بر سنت های دیرین و ارزشمند خود، با تسلیح عمومی، کنترل شهرها و مناطق را در دست گرفت و بدرستی به وعده های پیچ و فریب آمیز رژیم دل نبست.

رژیم فوق ارتجاعی و ماهیت ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی که از همان فردای قیام علیه کلیه آزادیهای دموکراتیک و حقوق حقه توده ها، برای نابودی دست آوردهای ارزشمند قیام خونین بهمن ماه، و تا آنجا که توان نیروهای انقلاب و

ضد انقلاب به او اجازه می داد، به اقدامات ارتجاعی و سرکوبگرانه موشل شده بود، با پیروزی سی ساله ۲۸ مرداد ۵۸ به کردستان انقلابی، به اقدامات جنایت کارانه خود ادامه میسرده و فاجعه آمیزی بخشید که دهنیت توده ها نسبت به رژیم دگرگون شد و توهمات اکثر آنان به صحت فرو ریخت. سران حکومتی پیش از پیش رو گشته و ماهیت ضد انقلابی دستگاه حاکمه آشکارتر شده

حمله وحشیانه به کردستان اگر چه با هدف نابودی جنبش انقلابی خلق کرد آغاز شد، اما از سوی توده های انقلابی با مقاومتی دلاورانه و پیروزی گشت. کردستان انقلابی در پرتو قدرت متحد توده ها توانست بزرگترین پیروزیهای بیرحمانه را به شکست بکشد. سرکوبگران که بران بودند تا ظرف ۴۸ ساعت، دستاورد های خلق کرد را نابود کرده و به "غائله خاتمه دهند با تحمل لطافت و تفات جدی، پیروزی شان به خنده مانده شد و خلق مبارز و رزمنده کرد، سرکوبگران را وادار به عقب نشینی کرد. خلق قهرمان کرد و نیروهای انقلابی کردستان در این مقطع با تمامی قدرت و قوی خود ضمن وارد آوردن ضربات جدی به رژیم توانستند به دفاع از انقلاب و دست آوردهای قیام برخیزند.

با شنیت نیروهای رژیم در کردستان، ارگان های توده ای همچون شوراهای منطقه ها، گسترش بیشتری به خود گرفت، زمینه پیشبرد اهداف و خواست های دموکراتیک خلق کرد فراهم تر شد.

امروز بر همگان روشن است که عقب نشینی نیروهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در آن دوره و شکست مفتوحانه اش در حمله به کردستان انقلابی، علی رغم به کارگیری حد اکثر توان و تمامی ارگان های سرکوب و تحقیر خود، نه تنها حصول بالا بودن سطح مبارزات مردم کردستان و توده های سرافراز ایران بود، که برای دست یابی به خواست های عادلانه و بحق خود به مبارزه انقلابی برخاسته بودند، بلکه به میزان زیادی حصول اتحاد و هماهنگی میان نیروهای انقلابی کردستان،

ارگان کهنه کردستان
سازمان چریکهای فدائى خلق ایران

۸۸ هزار دانه فصل مشترک...

و مبارزه انقلابی آنها با رژیم پسر منای یاقشاری پسر خواست عادلانه و رفاه از حقوق حقه توده ها، پرکاریه آنها نیسی به آنها و ارگان های خاص آنها بود، امری که امروز نیز به یکی از مبرم ترین نیازهای جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل گشته است.

رژیم اگر چه در آن مقطع مجبور به عقب نشینی در کردستان شد، اما بر همه نیروهای انقلابی و توده های آگاه روشن بود که، اقدامات سرکوبگرانه اش را علیه کردستان انقلابی، این سنگر خونین انقلاب و کانون ملت به مقاومت و مبارزات توده ای، ادامه خواهد داد. سرکوبگران طی گذشت بیش از شش سال یک لحظه هم در انجام این وظیفه ضد انقلابی خود درنگ نکرده اند.

امروز بعد از شش سال تجربه عینی و خونبار در جنبش انقلابی خلق کرد و جنبش صراحتی، ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر رژیم حاکم سوطیه داران پسر هیچبر پوشیده نمانده و حتی بر عقب افتاده ترین بخش توده ها نیز روشن و آشکار گشته است. از اینرو هرگونه چشم داشتی از این رژیم و هرگونه توهم پراکنی یونیده و آشکار نیست به آن، ضمن آنکه خیانت آشکار نیست به ضمون انقلابی و دمکراتیک جنبش خلق کرد محسوب می شود، لطامت جبران ناپذیری را بر اهداف پیروز ضد آن نیز وارد می سازد.

نگاهی مختصر به سیر مسائل مربوط به جنبش انقلابی خلق کرد، و به سیر عطف توجه به وضعیت مشخص و جاری موجود آن، این واقعیت آشکار ناپذیری و قانونمند را روشن می سازد که هر گاه صفوف جنبش انقلابی از انجام پیوسته و هماهنگی بیشتری برخوردار بوده است، توانمند تر به ادامه مبارزه انقلابی پرداخته و دشمن زمین خود را به موقعیت ضعیف تری انداخته است، امکان عمل گسترده و

تداوم خود، بیش از هر چیز، آینده پیروز ضد جنبش انقلابی را بخاطر انداخته است.

امروز می بایستی پس از گذشت شش سال مبارزه خونین و مقاومت، از تجارب جنبش، درس های لازم را آموخت، و آموخت که برآورده شدن اهداف پیروز ضد جنبش انقلابی خلق کرد، در گرو اتخاذ سیاست های درست و مبتنی بر مفاهیم واقعی توده ها و بسیج سازماندهی گسترده آنها در مبارزه انقلابی - شان علیه کلیت رژیم در عرصه های مختلف است. تنها چنین سیاستی است که پیروزی جنبش کنونی را تضمین خواهد نمود.

از صفحه ۲

جواباید در گریها قطع کردند ؟

برای تداوم آن و برای اجتناب از هرگونه درگیری از این نوع در شرایط اتی بعنوان منای مقامات نیروهای سیاسی قرار گیرد. رد هرگونه قید و شرطی در این شمار در حقیقت سرود دانستن هرگونه اقدام ضد دمکراتیک از سوی هر نیرویی و الزام کردن نهادن به یک شرایط دمکراتیک و التزام به آن است که می باید محصول بلا فصل چنین آتش بسی باشد.

امروز دیگر صالیه این درگیریها و اصولی که پسر منای آنها می باید به آنها پایان داد، چنان روشن و واضح است که دیگر نیازی به تکرار کرد آنها نیست و هران نیرویی که به هر دلیل و عنوانی از زیوار اعلام صحت موضع خود در قبال این یا آن امر مربوط به درگیریها به هر طریق و تحت هر عنوانی شانه خالی کند، بدون هیچ تردیدی باید گفت که عملاً به ادامه این درگیریها نصوصه و در تداوم این درگیریها سهیم است.

دریک کلام : دفاع از شمار آتش بس فوری و بدون قید و شرط، و محکوم دانستن هرگونه تحول به اسلحه برای حل اختلافات در شرایط کنونی از طریق گردن نهادن به همه چارچوب دمکراتیک در مقامات فیما بین نیروهای سیاسی منطبق در صفحه ۲۴

تحركات ضد انقلابی را از اول سلب کرده و ضربات کاری بر او وارد آورده است. اما از آنهم آشکارتر، این مطلب است که، اختلاف و پرانندگی و ایجاد شکاف میان صفوف جنبش از انزوی انقلابی و توان رزمندگی آن، در سنجش با دشمن به شدت می کاهشد، و دشمن، به حد اکثر ممکن از چنین اوضاعی بهره برداری نموده و دست آخر به لحاظ توازن قوا و روحیه از موقعیت ضابط تری برخوردار می شود. حال چنانچه اوضاع جاری و حاکم بر جنبش انقلابی خلق کرد و مناسبات فیما بین نیروهای آن و به ویژه درگیریهای ادامه دار میان دو نیروی عمده این جنبش را در نظر بگیریم، عطف فاجعه بار در درنگ بودن آن روشن تر خواهد شد.

رژیم علی رغم تلاش های مذبحخانه خود و اتخاذ شیوه های گوناگون در جهت به شکست کشاندن و نابودی جنبش انقلابی، همچنین به رغم بکارگیری گسترده امکانات صیغ نظامی و تبلیغاتی، تیر باران و خیمه باران کردستان قهرمان و تکرار و ادامه فجایعی همچون ۲۸ مرداد را توانسته است به اهداف جنایتکارانه خود در کردستان نائل آید. اگر چه طی مدت بیش از شش سال تحمل جنگی خونین و پیچیده از اعمال هرگونه جنایتی فروگذار نکرده است و به بهای از دست دادن بسیاری از نیروهای انسانی و تدارکاتی خود و با صرف مالی هنگفت در این زمینه، توانسته است برخی مناطق را که پیش از این در اختیار پیشمرگان قرار داشت تحت کنترل خود در آورد و اگر چه توانسته است در این مناطق از دامنه عمل پیشمرگان تا حدودی بکاهد، اما بهیچوجه نتوانسته و نخواهد توانست مانع حرکت پیشمرگان گشته و مقاومت توده های انقلابی را در هم بشکند.

امروز بر همگان و خصوصاً بر نیروهای سیاسی و مردم کردستان آشکار است که، پیش از آنکه هجوم و خنیا و حملات سرکوبگرانه رژیم و تکرار فجایعی مشابه ۲۸ مرداد سرنوشت جنبش انقلابی خلق کرد را تهدید کند، ادامه درگیریهای خونین فیما بین دو نیروی عمده این جنبش است که بیش از شش صالیه

اخبار جنبش توده‌ای

اعتراضات توده‌ای علیه

تسلیم ارجحیت

رژیم جمهوری اسلامی علیرغم به کارگیری شیوه‌های سرکوب خشن خود در کردستان نه تنها نتوانسته است مانعی جدی در مقابل اعتراضات پیشمرگان قهرمان ایجاد کند بلکه این اعتراضات انقلابی هرروزه ضریبات سرکوب خود را بر یکسر فرست رژی و ارگان‌های سرکوب او زارر کرد است. از این رو رژیم در ادامه سیاست‌های ارتجاعی و ضد مردمی اترطی یه سامه گذشته باز هم کوشید تا با تکیه بر ارگان‌های سرکوب خود و استفاده از جاسرها، فسادال‌ها، ملاها و دیگر مترجمین زحمتکشان مناطق مختلف کردستان را در جهت تامین منافع و اهداف سرکوبگرانه خویش وادار به تسلیم کند.

اما تلاش‌های مذبحانه رژیم تاکنون نه تنها برای پیش موافقتی در بر نه داشته بلکه همواره از سوی توده‌ها با مقاومت و اعتراض انقلابی روبرو گشته است.

زحمتکشان خلق کرد نه تنها تسلیم این سیاست‌های ارتجاعی رژیم نشده اند بلکه علیه آن بیجا خاسته مبارزات انقلابی خود را تشدید نموده و علیه کلیت رژیم دست به اعتراض زده اند.

گزارشاتی که در زیر می آید نشان از شیوه‌های مختلف از سوی رژیم در پیش برد عطفی سیاست‌های خود و همچنین واکنش توده‌های انقلابی خلق کرد را در قبال این سیاست‌ها نشان می دهد.

همچنین تصریح کردند برای آنکه این موارد جنبه عطفی خود بگیرد سیاستی همکاری شوراها را روستاها را جلب کرده و به ویژه از نیروی سلاهای مترجع در این جهت استفاده کامل بعمل آید.

۱- بعثت اینکه نیروهای رژیم در منطقه از لحاظ کمی زیاد نیست، باید با همکاری شوراها و استفاده از ملاها، روستائیان را تسلیم نمود.

۲- اهالی روستاهای صیر بانه به کوفان، بانه به بله من، بانه به عباس آباد، حتماً و بیا تمام قدرت می بایستی تسلیم گردند.

۳- روستاهای "برده رش"، "میجلان"، "زراو"، "بوئین بالا"، "بوئین پائین"، "عباس آباد"، "کانی سور"، "سورین"، "نجی بالا"، "نجی پائین"، "سویج"، "بادمجان"، "بی کش"، "زیه"، "نه نسو"، "خوری آباد"، "کوفان" و ...

بانه

به دنبال شکست‌های متخ‌خانه سیاست‌های ارتجاعی رژیم در منطقه، سران رژیم جهت ادامه و پیشبرد اهداف ارتجاعی خود و جلوگیری تحصیل این سیاستها به خلق مبارز منطقه، به حیل و نیرنگ‌های جدیدی توسل جسته اند، در همین رابطه، چند روز پیش برخی مزدوران و مسئولین ارگان‌های سرکوب، از جمله مشول سپاه پاسداران، مامان واحد بسیج، مامان اطلاعات بسیج و چند مزدور دیگر نشستی برگزار کردند که طی آن مسئله تسلیم اجباری روستائیان منطقه بانه مورد بحث واقع شد و سرکوبگران بعد از هفتگرمی موارد زیر را برای پیشبرد عطفی این موضوع در برنامه خود قرار دادند. انسان

بایستی با جلب همکاری شوراها و استفاده از سلاهای منطقه صلح گردند.

لازم به تذکر است که در همین رابطه و برای پیشبرد این سیاست‌های ارتجاعی در تاریخ ۲۰/۵/۶۴ نزدیک به ۳۱۲ نفر از اعضا شوراها و سلاها به شهر بان دعوت شد و در مسجد شهر، برای جلب جذب شوراها و استفاده بهتر از نیروی تحمیلی سلاها، مهندگی برگزار گردید و طی آن جاد مشهور "ملا عبد الله" برای آنان سخن پرانگی کرده و ضمن حمله به نیروهای انقلابی، از افراد دعوت شده می خواست علیه نیروهای انقلابی شعار بدهند.

سردشت

رژیم جمهوری اسلامی، اخیراً مردم مناطق مختلف سردشت، به ویژه "ولان" و "گورک" منطقه بازار سردشت و همچنین اهالی روستاهای این منطقه را شدیداً تحت فشار قرار داده تا به زور سرنیزه آنان را صلح نمایند. مزدوران چندی پیش نیز اهالی روستاهای "باسکی کوله" را با هدف تسلیم آنان تحت فشار قرار دادند. اما این حرکت مزدوران با اعتراض شدید مردم زحمتکش منطقه مواجه گشت، به ویژه اهالی روستای "کوله" به "پائین"، همگی متحد و یکپارچه پیمان بسته اند که هیچکس اسلحه رژیم را برندارد.

سقز

سرکوبگران رژیم مردم منطقه "گورک میه دی" را برای تسلیم اجباری تحت فشار قرار داده اند. اهالی روستاهای این منطقه، از برآوردن خواست مزدوران سرباز زده علیه آن دست به اعتراض زدند.

مزدوران رژیم برای تحمیل سیاست‌های خود صلاح‌های رژیم را تحمیل نوجوانان روستا می دهند در ضمن به تهدید و جرمه کردن توده‌ها دست می زنند. تا از این طریق اهداف ارتجاعی خود را برآورده کنند.

☆ اخبار جنبش نواده‌ای

در روستای "پیر عمران" که تعدادی از اهالی بر اعتراض به سیاست‌های رژیم دستگیر شده بودند، توده‌ها به اعتراضات یکپارچه‌ای دست زدند. اهالی روستا و خصوصاً زنان زحمتکش و دلاور طی یک حرکت اعتراضی مقر پاداران را در داخل روستا مورد

نیروهای سرکوبگر رژیم، که تحت اعمال فشارهای بی‌حد و حصر به اهالی این منطقه و به ویژه روستاهای "کس نزان"، "باش‌سلاخ"، "کانی چایی"، "زرنه"، "قره‌تور"، "هونو" و "کره" با زور سرنگون توانسته اند و سده‌ای را اصلاح نمایند. اما اهالی به زور صلح شده این روستاها، در اعتراض

بوکان

مزدوران رژیم از مدتی پیش برای تسلیح اجباری در این منطقه به تلاشهای گسترده‌ای دست زده‌اند، تا شاید شکست‌های خود در طی چند سال گذشته را بتوانند جبران کنند. مزدوران به اهالی بهینر روستاهای "چوم مجید خان"، "ترغه" و بعضی از روستاهای منطقه "فیض‌اله بیلی" اعلام داشته‌اند که بایستی صلح شوند و جوانان نیز به سرسازي بروند. سرکوبگران برای اعمال کنترل بیشتر و برای دست‌یابی به اهداف خود در روستاها، اقدام به تأسیس پایگاههای جدیدی نیز نموده‌اند، اما اهالی این مناطق به خواستهای مزدوران اعتنائی نکرده و حتی در برابر آن دست به اعتراض نیز زده‌اند، و به ویژه جوانان با به کارگیری شیوه‌های گوناگون، نقشه‌های مبارزات گسری اجباری رژیم را نقش بر آب نموده‌اند.

حمله انقلابی خود قرار داده و بر وینجره آن را درهم شکستند. آنها در ادامه اعتراضات خود به شهر رفته، جلوی فرمانداری به تظاهرات پرداختند و ریی‌خویشهای برحق خود و از جمله آزادی دستگیر شدگان پای فشارند.

در حرکتی مشابه، در روستای "قره چر" اهالی این روستا در اعتراض به سیاست‌های سرکوبگرانه مزدوران، به مقر جانشان در داخل روستا، حمله کرده و در وینجره ساختمان محل استقرار مزدوران را درهم شکستند.

به سیاست تسلیح اجباری، سلاحهای با زور تحویل داده شده را پس می‌دهند. مزدوران که در مقابل این حرکت یکپارچه مجبور به عقب‌نشینی می‌گردند، طی یک طرح فریب‌آمیز منشی بران گسه شب‌ها در روستا ده نفر نگهبان داشته‌باشند، شاید آنه نقشه می‌کشند تا به این شکل سلاح‌های رژیم در دست مردم باقی بماند. اما توده‌ها به اعتراضات خود ادامه داده و در برابر این طرح ریاکارانه مزدوران نیز به مقاومت برمی‌خیزند.

اواخر مرداد ماه نیز با پاداران و جانش‌ها، برای تسلیح کردن اهالی روستای "حامیان" ضمن یورش به این روستا، از اهالی آن خواستند که صلح شوند. اما اهالی روستا نسبت به این حرکت سرکوبگران به مقاومت برخاسته و ضمن اعتراضات یکپارچه خود با مزدوران درگیر شدند.

در جریان این درگیری که مردم روستا با سنگ و چوب به مزدوران حمله نمودند، یک پادار به هلاکت رسید و چند تن دیگر زخمی شدند. در ادامه این درگیری، مزدوران تا به ندادن صلح رژیم با آنها به سلاحهای متنوع خود کلیه اهالی روستا را بازداشت و روانه زندان می‌کنند. اما به قاصه کوتاهی زنان آزاد می‌شوند. زنان زحمتکش و قهرمان برای آزادی بستگان خود، دور پایگاه مزدوران جمع شده و متحد و پیکی خواستار آزادی کلیه دستگیر شدگان می‌شوند.

سنندج

در تاریخ ۱۲ مرداد ماه، مزدوران رژیم به منظور تسلیح اجباری روستای "گرگزاره" به این روستا یورش بردند. این حرکت با اعتراض یکپارچه اهالی زحمتکش روستا روبرو شد و توده‌ها در مقابل این خواست ارتجاعی مزدوران مقاومت نموده و در ادامه اعتراضات خود با مزدوران درگیر شدند. سرکوبگران وقتی که خود را در مقابل خشم انقلابی و مقاومت یکپارچه توده‌ها می‌بینند، با گشودن آتش بر روی آنان دو نفر را مجروح می‌کنند. اما مردم این وحشیگری نمی‌توانند سیاست خود را پیش ببرند. از این رو، در تعقیب این سیاست ارتجاعی و برای رسیدن به اهداف خود، به راه‌های دیگری متوسل می‌شوند. از جمله اینکه امام جمعه "دهگلان" را به این روستا می‌برند تا به خیال خود از این طریقی به فریب و تحمیل توده‌ها بپردازند. در نهایت به سیاست‌های خود ادامه عمل بهرشتند. اما پساوه‌گوشی‌های امام جمعه مزدور نیز در اراده استوار آنان هیچ‌گونه خللی وارد نمی‌کند و به کس برکناری فرمانده پایگاه و معاون او نیز برخورد می‌کنند. هایشان افزوده می‌گرد.

مهاباد

روستاهای منطقه "نامیان" و به ویژه مردم روستای "گچ‌آباد" نیز از سوی نیروهای رژیم و به منظور تسلیح اجباری تحت فشار قرار گرفته‌اند، اهالی زحمتکش این روستا، همچون سایر روستائیان، در مقابل این سیاست ارتجاعی، دست به مقاومت زده و گفته‌اند در صورت ادامه اذیت و آزار و اعمال فشار جهت تسلیح، بعنوان اعتراض روستا را تخلیه خواهند کرد.

ربط

رژیم جمهوری اسلامی که در مقابل ضربات ضعیف پشمرگان منطقه گنج و صیحت شجده و از تعرضات آنان به تنگ آمده است، همواره کوشیده است تا با اتخاذ شیوه‌های مختلف، و از جمله تسلیح اجباری توده‌ها، سیاستهای ارتجاعی خود را پیش برد. از این رو اخیراً مردم روستاهای منطقه "گور مهن" را شدیداً تحت فشار قرار داده است. در همین رابطه سپاه پاسداران میرآباد با اخراج شوراهای چند

روستا و از جمله "توسان"، "نیلمسان"، "پشمرگان"، "اشخیل"، "کویستان"، "آلاوان"، به میرآباد، خواسته‌اند تا از طریق این شوراهای و جلب همکاری آنها و یا تحت فشار قرار دادن آنها به تسلیح مردم روستاهای فسوق بپردازند. اما این حرکت مزدوران رژیم با اعتراض زحمتکشان این روستاها و شوراهای مواجه گشته است.

اشنویه

جائزها و افتخارات های منطقه

"زیراد" که در ادامه سیاستهای ضد مردمی خود اخیراً از سوی رژیم مسلح شده‌اند، به فاصله کوتاهی بعد از این تسلیح، به دهقانان منطقه فشار آورده و اجازه بهای چند سال گذشته را از آنان طلب کرده‌اند. استاندار مزدور، در نقشی که با این جیره‌خواران داشت، تسلیح اجباری مردم منطقه را به این خائنین گوشزد کرده و از آنان خواست که در این زمینه حداکثر تلاش خود را به کار ببرند.



نمودند، آنان طی اطلاعیه تهدید آمیزی که در شهر و حومه آن بخشن کردند، اعلام نمودند که مسئولین ضلوع سال ۱۳۴۸ می‌بایستی سریعاً خود را به پادگان‌ها و دیگر مراکز سرکوب رژیم معرفی نمایند.

در تاریخ ۱۴/۴/۶۱ سپاه پاسداران منطقه "آلان" به همین شیوه و طی یک اطلاعیه که برای ۲۴ روستای منطقه صادر شده است، در پی برآوردن اهداف ارتجاعی خود بوی اینده اما از آنجا که خود مزدوران از روحیه انقلابی توده‌ها و مقاومت آنان در قبال چنین اطلاعیه‌هایی خوب آگاهند، منتظر معرفی جوانان نمائنده و با تجمع نیروهای سرکوبگر خود، حمله گسترده و بی‌ثباتی را به روستاهای این منطقه آغاز کرده و با ایجاد جرح و زخم و اعمال فشار در روستاهای "پاسکی کوله‌سند" و روستاهای "قوتی"، "بناولیه"، "شینوی"، "بریسوی" و... به دستگیری جوانان می‌پردازند. جوانان دستگیر شده ضمن اعتراض، بیعت به مقاومت زده، و بیشتر آنان موافقت به فرار از دست مزدوران شده برخی اجباراً روانه پادگان‌های رژیم می‌شوند.

در تاریخ ۱۴/۴/۶۱ روستای "بیزوی" از جانب مزدوران سرکوبگر مورد هجوم واقع شده و از آنجا خواسته می‌شود تا فرزندان

جنبش انقلابی خلق نرد، و تعرضات بی وقته پشمرگان، به ضعف و زبونی خود پی برده است، با تملک به چنین شیوه‌های مذبحانه، برآنت تا ضمن خالی نمودن پشت جبهه پشمرگان از جوانان که به عنوان نیروی ذخیره پشمرگان خلق گرد محسوب می‌شوند، جنبش مسلحانه خلق کرد را از منبع تغذیه خود محروم سازد.

اما اتخاذ چنین شیوه‌هایی از سوی رژیم تا کنون به اعتراضات یکپارچه و پایدار مردم سراسر کردستان روبرو شده و با شجاعت مواجه گشته است. از این رو هر جا که مزدوران رژیم برای پیشبرد عملی چنین سیاست‌ها و اهدافی اقدام می‌کنند، با اراده یکپارچه و مصمم آنها روبرو شده‌اند. نمونه‌هایی از این اعتراضات که در زیر می‌آید بین این واقعیت است.

رژیم در کردستان دست یافته و بدان‌ها جامه عمل پوشانند، چندی پیش در منطقه مندرشت به شکل گسترده‌ای اقدام به سرکوبگری اجباری

اعتراضات توده‌ای علیه

سرکوبگری اجباری

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست‌های ضد مردمی خود، از هیچگونه امنیت و آزار و اعمال متکبری نسبت به مردم کردستان دریغ نکرده است. اخیراً در بیشتر مناطق با تحت فشار قرار دادن توده‌ها و اعمال تهدید و سرکوب علیه آنان، اقدام به سرکوبگری اجباری نموده، تا از این طریق به تامین کیود نیروی انسانی، و استفاده از آنها در ارگان‌های سرکوب خود پرداخته و با اعزام به جبهه‌های جنگ ارتجاعی ایران و عراق آنان را به کوشش دم تری سرماییده‌داران و مترجمین تبدیل کند. بدینال این اهداف ضدانقلابی است که مزدوران رژیم، به طرز ناگهانی به شهرها و روستاهای کردستان یورش می‌برند، به تفتیش خانه‌ها می‌پردازند، و جوانان را دستگیر و بهزور روانه پادگان‌ها و جبهه‌ها می‌نمایند. رژیم، که در مقابل با

مزدوران سرکوبگر، که در پی آنند تا به طبع مختلف، به اهداف ضد مردمی

اختراعات نموده ای علیه
موبازگیری اجباری

خود را به عنوان سربردار
تحویل مزدوران داده و یا به
سراکز سرکوب بفرستند.

مزدوران رژیم همچنین با
حمله شبانه و ناگهانی به
بسیاری از روستاهای منطقه
پردشت و به محاصره در آوردن
آنها به تفتیش خانه ها پرداخته
و هر جوانی را که می یافتند
دستگیر و اجباراً روانه پادگانها
می کنند. اهالی بیشتر
روستاهای منطقه در مقابل
این شیوه ها دست به اعتراض
زده و برخی از اهالی در
اعتراض به این سیاست های
لرزانگی و سرکوبگرانه رژیم،
روستاهای خود را تخلیه کرده
و آواره گوها شده اند.

در تاریخ بیستم مردادماه
نیز مزدوران رژیم، دوازده
نفر از جوانان روستای "میرای"
در محور جاده پردشت
پیرانشهر را دستگیر نموده اند
تا آنها را به پادگان ها و
جبهه ها بفرستند. والدین
دستگیر شدگان، جهات آخرین
ملاقات با فرزندان شان به مرکز
سیاه مراجعه می کنند، اما
مزدوران رژیم مانع انجام این
ملاقات و بیدار می گردند. مردم

نیت به این حرکت مزدوران
شدیداً اعتراض کرده و با سنگ و
چوب به آنان حمله ور می شوند.
سپهر با ایجاد مانع در مسیر
مسائل نقلیه آنها، از بسردن
فرزندانشان جلوگیری کرده و ضمن
شمار دادن علیه مزدوران و
تکیه بر شیوه های ماشینهایشان
با آنها درگیر می شوند و خشم و
نفرت خود را از این جیره خواران
جنایت کار به نمایش می آورند.

در منطقه ربط نیز
مزدوران جیره خوار، مدتی
است که به شکار جوانان، دستگیری
و روانه کردن آنها به پادگانهای
رژیم با زور ادامه پرداخته اند.
بیشتر جوانان این منطقه
نیز از رفتن به سربردار
خود داری کرده و یا نگاه
بردن به گوه ها، عملاً سیاست
رژیم را در این زمینه به شکست
کشانده اند.

در منطقه اشویه نیز
مدتی پیش رژیم اقدام به
سرکوبگری نموده است و با
به کارگیری املحه و املال
زور و سرکوب هشتاد نفر
از جوانان را دستگیر و روانه
پادگان ها نموده است. مزدوران
رژیم که پدین منظور به
روستای "در بند" پیروش
می برند، با اعتراض و مقاومت
دلاورانه زنان زحمتکش این
روستا روبرو می گردند.

کثرین امنیتی را احساس نمی کنند.
از اینرو، برای جبهه سران
شکست های خود و برای زهرچشم
گرفتن از نموده های خلق کرد،
چندی قبل، مزدوران چندین
روستای منطقه را به تسبی و
خیاباره بستند که ضمن آن مواد
مخفنی و محصولات روستائیان
به آتش کشیده شد.

همچنین، تعدادی از جانشین
های خائن و خود فروش به
روستای "کاولان" پیروش برده
و ضمن اذیت و آزار اهالی،
محصولات و مواد مخفنی را به
آتش می کشند. مزدوران رژیم
که از هیچگونه عمل جنایت آمیزی
در جهت آزار روستائیان دریغ
ندارند اخیراً به سیاست های
سرکوبگرانه خود ابعاد وسیعی
بخشیده اند. در تاریخ ۲۳/۴/۶۴
نیز تعداد یکازده
مابین پر از جانشین، پاسباندار
و بسیجی که از روستای "کرده بن"

عازم نقطه بودند، به اذیت و آزار
اهالی روستاهای صیبر
می پردازند، آنان از جمله بطرز
وحشیانه ای به روستاهای
"کیلک امپیان" حمله برده و
ضمن تیراندازی و ایجاد رعب
و وحشت در میان اهالی، به
خانه های مردم ریخته و وسایل
قیچی و قابل حمل را از قبیل
رادیو، ضبط صوت، پول و... به
غارت می برند.

بدینال عملیات انقلابی و
پیروزمند پیشرگان قهرمان
در منطقه پیرانشهر که طی آن
رژیم محصل ضربات جدی شد،
مزدوران سرکوبگر مستقر در پادگاه
"ورمشا" و "سطام پیک"
خود را به محل درگیری
می رسانند و هنگامی که با
جسد دیگر مزدوران روبرو
می شوند، دیوانه وار به روستای
"سه لای" پیروش برده به اذیت
و آزار و ذلک کاری روستائیان
می پردازند و سپس با درنده خوئی
تمام به هر صوفی و حتی به
دام ها و احشام تیراندازی می کنند.
مزدوران جنایتکار، طی این
پیروش و "شیانه" خود چند نفر
را مجروح کرده و سرودست چند
نفر دیگر را می شکنند، آنان
همچنین در آج ناتوانی خود
به یک ترانکوور روستا نیز آسیب
می رسانند.

همچنین بعد از عملیات
پیشرگان در روستای "سیلوی" و
وارد آمدن ضربات کاری به دشمن،
مزدوران، برای جبران ضربات
وارد به املال پیشری و شقاوت
روستای فوق را به خیاباره و
تسبی می بندند. و ضمن ایجاد
رعب و وحشت در میان اهالی،
به تیراندازی های مداوم
می پردازند. که در اثر آن یک
زن زحمتکش زخمی می شود و
صحت زمستانی اهالی آتش
گرفته و یک خانه بکلی در آتش
می سوزد.

همچنین در روستای "قباد بگیان"
در تاریخ ۶۴/۵/۴ سرکوبگران
رژیم در اقدام و جبران شکست
های پی در پی خود، با پیروش
وحشیانه به این روستاها سمیت
به جان روستائیان می افکنند و
با ارتکاب اعمال وحشیانه،
کلیه سخت زمستانی روستا و
نیز تعداد ۹ خانه را به آتش
می کشند.

در تاریخ ۶۴/۵/۱۱ یکجای

سیاست آزار و اذیت
زحمتکش
نشانه ترس و زیمونی رژیم
در مقابل
جنبش انقلابی خلق کرد
است!

پیرانشهر

ضربات پی در پی پیشرگان
قهرمان به مزدوران رژیم در
منطقه پیرانشهر، خواب و
قرار آنها را گرفته است.
مزدوران، نه تنها جرات
بیرون خزیدن از سوراخ های
خود را ندارند، بلکه به
نمایی تجهیزات و امکانات خود،
حتی در سوراخ های خود نیز

سیاست آزار و اذیت تحتکشان...

از مزدوران در روستاهای صوفیان بهر روی یکی از اهالی تیراندازی کرده و او را زخمی می کنند، این مزدور همیشه به روستای نزدیک می شود، مورد حمله او واقع می گردد، روستائیان که متوجه تیراندازی می شوند، خود را به محل رسانده و به مزدور رژیم حمله ور می شوند. سرکوبگران که متوجه این صاله شده اند، خود را به محل رسانیده و چند نفر از اهالی را دستگیری کنند. اما از آنجا که با اعتراض اهالی بهر روی می گردند، مجبور به آزاد کردن آنان می شوند.

همچنین چندی پیش نیز عده ای از جاش ها و پاسداران طی یک پورش وحشیانه به روستای "نامنجه" به اذیت و آزار آنها می پردازند که با اعتراض روستائیان رو به رو می شوند.

سرکوبش

طی ماه های اخیر، بسیاری از اهالی روستاهای منطقه "سرکوبش" نیز مورد اذیت و آزار و حتی اخاذی مزدوران رژیم قرار گرفته اند. در تاریخ ۱۴/۴/۶۱ سرکوبگران مستقر در پایگاه گردنه به روستای گوله و چند روستای دیگر در منطقه بازر سرکوبش رفته و ضمن توهین و اذیت و آزار اهالی، رو عابری را سرکوب می کنند، از یکی مبلغ ۷۵۰ تومان و از دیگری ۲۵۰ تومان اخاذی نموده و سپس برای ایجاد رعب و هراس بیشتر اقدام به تیراندازی های در پی می کنند. آنان در ادامه اعمال جنایت کارانه خود، اطراف روستای "درمان آوی" را تپ و خمپاره باران می کنند که در اثر آن دو نفر از اهالی زخمی می شوند. آنگاه به پورش وحشیانه به این روستا، اذیت و آزار مردم تحتکشان و خراب کردن کورهائی که آوارگان بهاران های هوایی سرکوبش به عنوان سرنگاه برای خسور میخانه اند، جنایات خود را تحمیل می کنند.

همچنین در جریان خمپاره و

تپ باران منطقه "باوار" دو نفر از افراد رژیم نیز کشته می شوند. وقتی که مزدوران از این موضوع با خبر می شوند، مردم منطقه را تحت فشار قرار داده، به آزار و اذیت و شکنجه آنان می پردازند. اما، اعمال این وحشیگر، ها، مورد اعتراض مردم واقع می شود، که در همین رابطه روز ۱۴/۴/۶۱ دکان داران بازار "درمان آوی" به عنوان اعتراض مغازه های خود را تعطیل کرده، و با مراجعه به فرمانداری، ضمن اعتراض خواست های خود را عنوان می کنند.

مزدوران رژیم که از هیچگونه اعمال زور و اذیت و آزار علیه اهالی روستاها دریغ نمی کنند، اخیراً نیز در منطقه "سرکوبش"، عده ای از آنان تحت عنوان پیشمرگه، به میان آوارگان رفته و از آنها پول می گیرند. کار مزدوران جنایت کار رژیم بجایی رسیده است که علناً به اخاذی و بزدی می پردازند. در روستای "نه لاس" با اعمال زور و تهدید از چندین نفر اخاذی کرده و ضمن حمله به یک زن روستائیی و کتک کاری او گوشواره هایش را به سرقت می برند.

نقد

در تاریخ ۱۴/۴/۶۱ پاسداران مزدور، با همدستی جاش های خود فورش، بطرز میخانه ای به روستاهای "قره قصاب" از روستاهای نقده پورش برده و ضمن دستگیری چند نفر از اهالی، آنها را وحشیانه به باد کتک و بی حرشی می گیرند. سپس با هجوم به خانه یکی از اهالی بنام کاک عبدالله شریفی او را به شهادت می رسانند. مزدوران فدای آنروز به روستای مذکور مراجعه کرده و با کمال بی حرشی و وقاحت، جنایات خود را به پیشمرگان نسبت می دهند.

همچنین نیروهای رژیم، طی یک پورش گسترده و وحشیانه به روستاهای "مشتاخان"، منطقه را اشغال نموده و حرکات سرکوبگران خود را علیه روستائیان آغاز می کنند. مزدوران جنایت پیشه، که در پورش سال

گذشته نیز، برخی از روستاهای این منطقه را آتش زده بودند، ضمن این حمله وحشیانه، روستاهای "بازوگشیان" و "هه وشیان" را به آتش می کشند و در روستاهای "پرایه" به اذیت و کتک کاری و شکنجه اهالی می پردازند. بطوریکه از شدت این اعمال وحشیانه دو نفر بی هوش می شوند.

مهاجران

اخیراً روستای "سرتان"، از روستاهای مهاجر، مورد پورش عده ای از جاش های خود فروخته "مکور" واقع شد، که ضمن آن از یکی از اهالی خواسته می شود که اجازه هفت سال گذشته را به این مزدوران بپردازد. اهالی نسبت به این امر به شدت اعتراض کرده و تعدادی به سروران حمله می برند، جاش ها عقب نشینی کرده و حرف خود را پس می گیرند، اما توده های خشکی به تعرض خود ادامه داده و آنها را از روستا فراری می دهند تا اینکه فرمانده پایگاه سرکوبگران، جلو حرکت مردم را گرفته و جاش های خائن را نجات می دهد.

همچنین در روستای "بی هنگون" و "بناگردان" جاش ها دست به عمل مشابهی زده اند که با اعتراض مردم رو به رو شده است.

در تاریخ ۱۴/۵/۶۱ جاش های خود فروخته به روستای "قره چلان" حمله برده و اهالی روستا را از خانه ها بیرون کشیده و پس از اذیت و آزار و بی حرشی نسبت به آنان، اموال اهالی را غارت می کنند. مزدوران همچنین یکی از اهالی را دستگیر کرده و قصد برون او را دارند، که با اعتراض توده ها مواجه می شوند. اهالی روستا به شهر مهاجران رفته و نسبت به این حرکت وحشیانه مزدوران و چپاول اموال شان نسبت به اعتراض می زنند.

چندی پیش روستای "هاجیپدره" نیز مورد حمله جاش ها و پاسداران قرار گرفت و مزدوران ضمن تهدید و تحت فشار قرار دادن توده ها، به

سیاست آزار و اذیت ...

غارت اموال روستائیان می پردازند اهالی معتبر، باین حرکت، برای رسیدگی به این صالک، به شهر مهاباد می روند. اما در آنجا نیز، ضمن آنکه به خواسته آنها توجهی نمی شود، مورد توهین و تحقیر مزدوران قرار می گیرند.

اهالی روستاهای "آغوطان" و "گرکه" نیز تحت فشار و شکنجه مزدوران قرار گرفته اند، چند خانواده از اهالی روستای "گرکه" بعنوان اعتراض کوچ کرده اند.

پاسداران مزدور با همدستی جاشرها در تاریخ ۶۴/۵/۸ به روستای جوری در منطقه بارجه جانی اورمه یورش می برند و با تهل به ایلک و ایلک زور و تهدید و به اخاذی از اهالی روستای پردازند.

روستای "نستان" از روستاهای منطقه وسط در تاریخ ۶۴/۵/۱۶ مورد یورش وحشیانه مزدوران قرار می گیرد. مرکوگران، ضمن به آتش کشیدن محلات اهالی، آنان را تهدید می نمایند که چنانچه پیشمرگان اقدام به کین گذاری کرده و یا به آنها حمله کنند، روستا را تماماً به آتش خواهند کشید.

یکی از مزدوران، در روستای "کویره گویز" از روستاهای سقز ضمن تهدید یکی از زحمتکشان از او طلب ۵۰۰۰ تومان پول می کند. فرد زحمتکش که فقط مبلغ ۵۰۰۰ تومان داشته است، از ترس موجودی خود را به وی می دهد، اما جاشر جنایت کار به قصد اخذ سیانگ بیشتر او را آندر می زند، که به شهادت می رساند.

به دنبال صلیات موفقیت آمیز

پیشمرگان در روستای حسین آباد از روستاهای بکان مزدوران در تاریخ ۶۴/۵/۱۸ به ایلن روستا و حشیانه یورش برده و با محاصره آن، به آزار و اذیت مردم می پردازند و هنگام مراجعت چهار نفر از اهالی را دستگیر کرده و با خود می برند.

روستاهای منطقه پانه نیز از حمله و دزدی و اذیت و آزار فارتگران مرکوگر در امان نمانده است. مزدوران در مسیر روستاها به کین می نشینند و دست به چپاولگری و اخاذی می زنند. و در تاریخ ۶۴/۵/۱۶ مزدوران با همدستی جاشرها به روستای "پرتجباران" یورش برده و موجب آزار و اذیت اهالی می شود، مزدوران در مسیر راه خود یک نفر را دستگیر نموده و با خود می برند، سرانجام در بین راه او را به شهادت می رسانند.

سندج

محل "خدر زنده" واقع در "آبدر" و بیرون از شهر سندج واقع است، که معمولاً به عنوان محلی برای گردش و استراحت و دور بودن از محیط نظامی شهر مورد استفاده قرار می گیرد.

چندی پیش ده ای از مردم سندج به این محل رفته بودند که از طرف پادگان شهر این محل زیر آتش تف و خمپاره قرار می گیرد و بر اثر این عمل جنایت کارانه یک نفر کشته و هفت نفر زخمی می شوند.

کارگران بیکار که معمولاً برای پیدا کردن کار در میدان این شهر و خیابان سرویس جمع می شوند، در تاریخ ۶۴/۴/۳۱ مورد یورش مزدوران رژیم قرار می گیرند. مزدوران شهرنایچی برای اذیت و آزار آنان، میدان و خیابان مذکور را به محاصره در آورده و حشیانه به جان کارگران می افتند و دشمنی خود را با کارگران و نیز ترسشان را از تجمع آنان به نمایش می گذارند. این عمل وحشیانه مزدوران رژیم با اعتراض مردم و مقاومت کارگران روبرو می شود. اعتراضات توده ها به تدریج بالا می گیرد تا در صفحه ۲۱

چند خبر از شهرهای کردستان

مهاباد

چند روز پیش شهر دار مهاباد حدود دهست نفر از کهنه و بازاریان را جمع کرده و طبعی سختانی از آنها می خواهد، که برای بهبود فضای شهر و نیز برای تأمین نیازهای جبهه، به مزدوران کمک کنند، او همچنین از آنان می خواهد که با پاسداران همکاری نموده و از نهشته شدن شمار بر روی دیوارها جلوگیری کنند، که ضمن اشاره به گرانی و وضعیت وخیم اقتصادی، از برآوردن خواست های شهردار سر باز زده و می گویند: "ایمن رژیم است که می بایستی به ما کمک کند و باید برای تأمین آسایش و رفاه عمومی اقدام کند. آنان همچنین اضافه می کنند که: ما نمی توانیم از نوشتن شعارهای متعلق به جنبش جلوگیری نصائیم

در تاریخ ۶۴/۴/۲۸، در شهر مهاباد بین تیم های مهاباد و ارمیه مابین فوجبال

نگاهی کوتاه به ...

از صفحه ۲۶

تبدیل کند، به کمک ارگانهای مرکب خود، و با یاری گرفتن از عوامل مترجع و مزدوران سرسپرده اش، ضمن توسل به شیوه های مختلف از تهدید و ارباب گرفته تا فریب و تحمیل، مذبوحانه تلاش نموده است تا این آوارگان را به شهرها و خانه های مخروبه و ویران شده شان بازگرداند.

اما اتخاذ چنین تاکتیک های فریب کارانه و تهدید آمیز از سوی رژیم، نه تنها برایش هیچ موفقیتی در بر نداشته، بلکه همواره از سوی توده ها با مقاومت سرسختانه روبرو گشته و تبعات آن دامن خود رژیم را گرفته است. توده ها علیرغم همه تلاش های مذبوحانه رژیم و علیرغم وضعیت محنت یاری که بر زندگی شان حاکم است، از بازگشت به شهرها و تمکین به حامیان و حافظان سرمایه سرپا زده و نسبت به سیاست های ارتجاعی رژیم دست به اعتراض زده اند. موارد زیر نمونه هایی از مقاومت توده های آواریز حشک شهرهای کردستان را آشکار می سازد.

بانه

شهر بانه، از جمله شهرهایی است که در جریان ایلان بهاران ها، خسارات فراوانی بخود دیده و بسیاری از محله ها و خانه های مسکونی آن با خاک یکسان شده است. مردم زحمتکش بانه، که همه همتی خود را از دست داده اند، مجبور به ترک شهر ویران شده خود گشته و با حداقل لوازم زندگی، برای حفظ جان خود به کوهها و روستاهای اطراف شهر از جمله روستاهای "کانی سور"، "کوپچی"، "سوی"، "زواو"، "سویچ" و دیگر روستاها، پناه برده اند و در وضعیت فلاکت باری بسر می برند. کمبود مایحتاج اولیه زندگی، فقر و بیبیماری، نبود امکانات اولیه بهداشتی

و درمانی، بیکاری و گرسنگی، کمبود نان و دیگر ضروریات غذایی و حتی آب که گاهی توسط تانک از شهر آورده می شود، آنچنان شرایط سخت و طاقت فرسایی را برای مردم زحمتکش این منطقه به وجود آورده است که اراده از تحمل ناپذیر است.

اوائل مرداد ماه، استاندار کردستان به دنبال اهداف ارتجاعی خود و به خیال سرگرداندن بخشی از مردم آواره شهر بانه، که به روستای "کانی سور" پناه برده بودند، در مقابل آنیوهی از ایمن آوارگان به سخنرانی تهدید آمیزی دست زد و با حیل های مختلف از آنان خواست که به شهر بازگردند، او همچنین خطاب به اهالی مطرح نمود که اگر از بازگشت به شهر امتناع کنند، کوبن های خوار و بار آنها را قطع خواهد کرد. اما این تهدیدات فرماندار مزدور، نه تنها ترسیده دل توده های آواره و بجان آمده نیانداخت، که مقاومت آنان را نیز برانگیخت و زحمتکش آواره پیشینی ارزش برای عامل رژیم و تهدیدات او قائل نیل نشدند و ناصبرده بدون آنکه هیچ نتیجه ای عایدش شده باشد مسلح را ترک کرد.

چندی پیش نیز مزدور دیگری و این بار از حوزه علیه قم به روستای "سیت لو" که تعداد کثیری از آوارگان جنگ زده شهر بانه را در خود جای داده است، رفته و به شکل مزدورانه و شیادانه ای از آوارگان خواست که به شهر برگردند، در چین سخنرانی نامبرده، یکی از آوارگان از جای خود بلند شده و می گوید: "شما نیروهای خود را از شهر خارج نموده اید و حال به ما می گوئید که برگردیم به شهر؟" در این هنگام، فرماندار مزدور شهر بانه و فرمانده پناه پاسداران این شهر که آخوند قریبگی را همراهی می کردند، برای آنکه اسکان هرگونه مقاومتی را از سوی توده ها سلب کرده باشند، به ارباب فرد مذکور پرداخته و با سخنان تهدید آمیزی خطاب به وی می گویند که: "ما ترا می شناسیم!" و به ایمن شکل برای او خط و نشان

می کنند. اما آوارگان جنگ ارتجاعی با حمایت فعال خود از فرد معترض، متحدان دست به مقاومت زده و کلیه سیاست ها و نقشه های ارتجاعی مزدوران را نقش بر آب می کنند. و آنان بدون آنکه از حیل های خود طرفی ببینند، مجبور به ترک روستا می شوند.

همچنین در جریان بهاران های هوایی شهر بانه، علاوه بر آنکه بسیاری محله ها و مناطق مسکونی این شهر ویران گشته، و به تلی از خاک تبدیل شده است، ساختمانهای ادارات نیز از ویرانی صحنه نمانده و بسیاری از آنها تخریب و به ویرانه هایی تبدیل گشته است. کارمندان ادارات که هر روزه در معرض خطر بهاران های هوایی قرار دارند و از هیچگونه تأمین برای حفظ جان خود برخوردار نمی باشند، آواره اطراف شهر و روستاها گشته و به پراختن کپرو چادر پرداخته اند و کارهای اداری خود را در زیر این کپرها و یا در داخل چادرها انجام می دهند.

مزدوران رژیم، با اعمال تهدید و فشار از آنان خواسته اند به شهر و به زافه هایی که توسط رژیم در جوار ادارات ساخته شده است برگردند، اما کارمندان در مقابل این خواسته مزدوران دست به مقاومت زده و به تهدیدات آنان و قسمی نگذاشته اند و همچنان در بیرون از شهر بسر برده و به انجام کار مشغولند. تعدادی از آنان نیز در اعتراض به سیاست های ارتجاعی رژیم و اعمال تهدید از سوی عمال آن از کار خود استعفاء نموده اند.

سردهشت

در تاریخ پانزدهم تیرماه، شهر سردهشت مجدداً مورد هجوم وحشیانه بمب افکن های رژیم عراق قرار گرفت و طی آن تعدادی دیگر از مردم کشته و زخمی شدند. مردم زحمتکش سردهشت، بدنبال ایمن بهاران و بهاران های قبلی و برای نجات جان خود، خانه های مسکونی ویران شده خود را ترک کرده، آواره و سرگردان و با حداقل وسایل زندگی به روستاهای اطراف شهر پناه برده اند. اوضاع زندگی

نگاهی کوتاه به ...

به تظاهرات تعرضی خود ادامه می دهند.

مربوطان

شهر مریوان نیز یکی دیگر از شهرهای صرزی کردستان است که از اوایل جنگ ارتجاعی ایران و عراق تا کنون، چندین بار مورد هجوم و حمله و بمباران های هوایی قرار گرفته است. طی بمباران های زمستان گذشته و بنابر احوال نیز شهر مریوان مورد یورش بمافکن های عراقی واقع شد و به شدت بمباران گردید و خسارات و آسیب های فراوانی به آن وارد آمد. طی این بمباران های جنایتکارانه، دهها نفر از اهالی زحمتکش مریوان جان خود را از دست داده و بسیاری از آنان زخمی شدند، دهها خانه و مغازه با خاک یکسان شد و هزاران نفر آواره، گداز و روستاهای اطراف و سایر شهرها شده اند.

بسیاری از افراد کهنسال خانواده ها، بچه های کوچک و زنان حامله، در کپور دار این آوارگی و نقل و انتقال جان خود را از دست داده اند. بخش اعظم این آوارگان را، مردم زحمتکش محله های فقیرنشین مریوان مانند محله "کله دیو"، "تازه آب"، "محله"، "بلچه موریه کان" و محله جنگ بانی تشکیل می دهند که محمل بدترین لطمات شده اند، آنان اگر چه فاقد هرگونه خانه ای بودند اما با برپا داشتن آلوئه ها، در حاشیه شهر مسکن گزیده و زندگی می کردند. ساکنین این محلات روستائیان هستند که بدنهال نقشه ای نان روستاهای خود را ترک کرده و عموماً جهت کار و امرار معاش بخوردن و نمیر به شهر روی آورده اند. مردم شهر مریوان از رهگذر جنگ ارتجاعی، دچار همان فشارهای تحمیلی و تبعیضات بمباران های هوایی اند که اهالی دیگر شهرهای کردستان هستند. بسیاری از آنان برای خروج از شهر و عزیمت به روستاهای اطراف و یا دیگر شهرها، با مشکلات متعددی مواجه اند، بطوری که حتی

سرکوبگران و جیره خواران ریز و درشت رژیم و قبیله خشم و نفرت توده های محروم می بینند، در شهرهای گسترش این حسرت اعتراضی، به محبت عقب نشینی کرده و قول می دهند که سجد را تخلیه کنند، اما توده های ستمدیده روی خواست عموماً خود که همانا اخراج مزدوران از روستا است پای می فشارند.

روستای "قولنس" یکی دیگر از روستاهای اطراف و نزدیک شهر سردشت نیز که بسیاری از آوارگان جنگ ارتجاعی را در خود جای داده است در این ماه شاهد اعتراضات آوارگان جنگ ارتجاعی بود. فرماندار مزدور سردشت، در ماه تیر، به اتفاق عده ای از پاسداران سرکوبگر به روستای "قولنس" رفته و خطاب به آوارگان، ضمن یکن بخری از جیره، برگشتن آنان را به شهر گوشزد می کند. او که در خلال سخنرانی خود برخی اعلامیه ها و تراکت های نیروهای مخالف رژیم را بر در و دیوار روستا می بیند، به شدت برافروخته شده و ضمن یابورگوشی، به ارباب توده های آواره می پردازد و حتی آنها را به قتلگوشی های خوار و بشار تهدید می کند. اما سخنان فرماندار از سمی توده ها با اعتراض شدید مواجه می شود، آنان علیه تهدیدات و یابورگوشی های ارتجاعی رژیم دست به تظاهرات اعتراضی میزنند و با خشم و کینه انقلابی به صوی بی حمله ور می شوند. فرماندار مزدور که اوضاع را بدین متوال می بیند، برای نجات جان خویش مجبور به ترک روستا می شود. پاسداران ارتجاع برای آنکه فرماندار بتواند از جنگ توده های خشمگین در برود، با اسلحه کالیبر ۵۰ به سوی مردم تیراندازی می کنند. اما توده های زحمتکش و انقلابی تا بیرون راندن کلیه سرکوبگران و فرماندار مزدور

و محبتی این بخش از توده ها، همچون دیگر آوارگان جنگ ارتجاعی جاری، در سراسر کردستان، به شدت وخیم است. کمبود مواد غذایی و نبود حد اقل مایحتاج اولیه زندگی، فقدان هرگونه لوازم اولیه بهداشتی و درمانی که موجب شیوع ایضام بیماریها می شود، ضمن آنکه منجرکننده وضعیت عمومی توده های آواره است، حیات آوارگان سردشت را نیز به طور جدی تهدید می کند.

در جریان این بمباران ها، عده ای از آوارگان شهر سردشت بدنهال سرپناه راهی روستای "کولنس" شده و به آنجا پناه می برند. توده های آواره و متفق از جنگ ارتجاعی که از ستم سرکوبگران به جان آمده اند، علیه جاشها و دیگر مزدوران جیره خوار رژیم، دست به تظاهرات اعتراضی میزنند. و با آنان درگیر می شوند. توده های آواره ضمن محکوم نمودن سیاست های جنگ افروزان رژیم، خشم و نفرت عینی خود را نسبت به جنگ ارتجاعی بفرمایش می گذارند. جاشها و دیگر مزدوران رژیم که در ابتدای آن داشتند که مانع حرکت اعتراضی آوارگان شوند، وقتی که با انبوهی از توده های ضد و خشمگین رویبرو می گردند، مجبور به عقب نشینی می شوند. جانشان و پس از آنکه نیروهای کمکی سرکوبگران به محل می رسند، مزدوران را از جنگ توده ها نجات داده و در این میان ه نشر از آوارگان دستگیر می شوند.

همچنین مدتی پیش مردم آواره ای که در روستای "شیوه" به سر می برند، در اعتراض به وضعیت عمومی خود، برای محکوم کردن سیاست های ارتجاعی و جنگ افروزان رژیم دست به تظاهرات می زنند. مزدوران رژیم جهت کنترل هر چه بیشتر آوارگان منطقه و برای ادامه سیاست های سرکوبگرانه خود، به ایجاد مقر در مجد روستا می پردازند. این صالیه موجب برانگیخته شدن خشم و کینه بیش از حد آوارگان و همچنین اهالی روستا می شود، آنان متحد و یکپارچه خواستار خروج مزدوران از روستا می شوند.

نگاهی کوتاه‌پایه ...

پول پرداخت کرایه حمل و نقل برایشان سنگین و غیر ممکن است و برخی از آنها برای تهیه چنین هزینه‌های مجبور به فروتنی همان حداقل و سبیلی که احیاناً از هیچ‌یک بیماران در آن مانده‌است می‌باشند.

قربانیان جنگ، بعد از همه اینها و از سرگرداندن این مشکلات اولیه به خیل آوارگان بی پناه پیوسته و دچار همان مشکلات عمومی کلیه آوارگان، همچون نبود محلی برای امان و کمبود مواد غذایی و نیاز به اولیای زندگی می‌گردند. نبود امکانات بهداشتی، درمانی و دارویی برای آنان به مشکل بسیار بزرگی تبدیل شده است. پیوسته برای آندسته از آوارگان که مجبور شده‌اند در نقاط پرت و دورافتاده‌ای اطاق کنند برای مثال عده‌ای از این آوارگان پس از استقرار در محلی به نام "کولان" دست به ایجاد کپر زده و به عنوان سرپناه در آنجا زندگی می‌کنند، آنان از هرگونه امکان

ایجاد کنند و از سوی دیگر از اعیال هر گونه ستم نسبت به آوارگان دریغ نمی‌کنند، از جمله هجوم پخش‌پایه به کپرهایی که از سوی آوارگان در نزدیکی روستای "کولان" بر پا شده است، مزدوران رژیم طی این یورش دست‌به تخریب کپرها زده و به آزار و اذیت آوارگان پرداختند اما این عمل سببانه عمال ارتجاع نیز با اعتراض شدید آوارگان روبه‌رو شدند.

* پیرانشهر

بیماری از مردم زحمتکش پیرانشهر نیز در جریان بهارن‌های اخیر و پس از تحمل خسارات فراوان، برای حفظ جان خود، به روستاهای اطراف شهر پناه برده‌اند. مزدوران رژیم با توسل به شیوه‌های مختلف و با تهدید و ارباب آوارگان، از آنها می‌خواهند که به شهر بازگردند. اما وقتی که با مقاومت توده‌ها مواجه می‌شوند، بر شیئت تهدیدات خود می‌افزایند و آنان را تهدید می‌کنند که در صورت سرپیچی اهالی از بازگشت به شهر، خانه و اموال آنها به نفع رژیم مصادره می‌شود. اما آوارگان این تهدیدات مزدوران را به چینی نگرفته و همچنان به مقاومت خود ادامه می‌دهند.

درمانی بی بهره‌اند و برای مداوا و معالجه بیماران خود، می‌بایستی بتوانند خودشان را به روستاهای "جنساره"، قلعه جی و یا روستای "سروآبار" برسانند که از برخی امکانات درمانی و دارویی که آنهم در اختیار خود مزدوران است، برخوردار می‌باشند. لذا از این طریق می‌بایستی اولاً محمدعلی هزینه‌های بیشتری بشوند و در ثانی معالجه و درمان بیماران در صورتی امکان پذیر می‌شود که خود مزدوران بیمار یا زخمی نداشته باشند. این بخش از توده‌های آواره، به علت همین محدودیت‌ها و به علت نداشتن امکانات درمانی و دارویی تا کنون در محله‌های خود را از دست داده‌اند.

مردم آواره، میروان، علیرغم تحمل این همه فشارهای ناشی از جنگ، پیرانگر و خانان برانداز، از آزار و اذیت مزدوران و جیره‌خواران رژیم نیز بی بهره نبوده‌اند، سرکوبگران در تلاش‌اند تا با شیوه‌های مختلف از طرفی مانع اتحاد و یگانگی آنها شوند - فی‌المثل با دادن کهن مواد غذایی به عده‌ای دیگر و محروم کردن عده‌ای دیگر بر آنند که میان آنان تفاسق

چند خبر ... از صفحه ۱۸

آنجا که در حمایت از کارکنان بیکار با پلیس درگیر می‌شوند.

مزدوران که از ادامه حرکت اعتراضی و مقاومت بیکارچه توده‌ها، به هراس افتاده بودند اقدام به تیراندازی می‌کنند. توده‌ها بر حرکت تعرضی خود شدت بخشیده و مزدوران را مجبور به عقب‌نشینی و نهایتاً ترک محل می‌کنند.

محله "کانس کوزه‌له" یکی از محله‌های فقیرنشین شهر می‌باشد. زحمتکشان ساکن این محله از حداقل لوازم اولیه زندگی بی بهره‌اند. در این محله فقط دو شیر آب موجود است که ساکنین محله از آن استفاده می‌کنند، اما از آنجا که کفاف صرف محله را نمی‌کند آنان برای رفع این کمبود آب مورد نیاز خود را از محله‌های دیگر تأمین می‌کنند. ساکنین این

شوند. ولی اهالی محله "کانس کوزه‌له" روی خواسته‌های خور و پافشاری کرده و خواستار جواب می‌شوند و بعد از نزدیک به دو ساعت جادله و درگیری و بنا به خواست مزدوران ۴ نفر نماینده برای صحبت با مسئولین انتخاب می‌شوند. آنان پس از مدتی گفتگو بدون نتیجه باز می‌گردند و به بقیه می‌گویند که: هرچه که تا حالا کرده‌اند بعد از اینهم می‌کنند. اهالی یا خشم و نفرت موقتاً سازمان آب را ترک می‌کنند.

هم چنین چند پیوسته عده‌ای از زندانیان مستند که از جانب رژیم در ارگان‌های مختلف، بیکاری کشیده شده و از نیروی کار آنان جهت نظامی ارگانها و از جمله دادگاه و ادارات وابسته به نیروهای نظامی استفاده می‌شود، دست به اعتراض می‌زنند. این حرکت انقلابی از سوی دیگر زندانیان در بند، مورد حمایت قرار می‌گیرد.

محله حدود دوماه است که از مسئولین سازمان آب تقاضای آب کرده‌اند، ولی مزدوران رژیم نسبت به این خواست اولیه توده‌های فقیر و زحمتکش بی‌اعتنا بوده‌اند.

روز ۱۴/۴/۶۴ ماشین گشت مزدوران یکی از اهالی این محله را زیر می‌گیرد. به دنبال وقوع این حادثه خشم فروخته اهالی محله و رگشته و فردای آنروز اهالی ضمن اعتراض به این جنایت، به سازمان آب مراجعه کرده و با تجمع جلو آن خواستار رسیدگی به مسئله کمبود آب در محله‌شان می‌گردند. پاسداران جلو آنها را گرفته و مانع ورود آنها به داخل ساختمان می‌شوند، و از آنان می‌خواهند که به خانه‌های خود برگردند. در این میان یکی از اهالی با پاسداران مزدور درگیر شده و بقیه به حمایت از او برمی‌خیزند.

سرکوبگران مرتجع از ترس جان خود با اقدام به تیراندازی از متعرضین می‌خواهند که متفرق

انقلاب مشروطیت و دستاوردهای آن

روز چهاردهم مرداد ماه صراف با پیروزی انقلاب ضد استبدادی، ضد استعماری خلقهای ایران در آستانه قرن حاضر است. در چنین روزی و درست ۲۹ سال پیش از این بود که دربار مستبد قاجاری تحت فشار توده های مردم مجبور گشت، فرمان مشروطیت را امضا کرده و به اولین خواننده های پیروزی توده ها بر استبداد سیاه قرون وسطایی صدمه گذارد.

انقلاب مشروطیت بعنوان مهم ترین رویداد تاریخ معاصر ایران و آغاز آن رشته اتحولاتی است که در جامعه امروز ایران تکمیل آنها به عهده طبقه کارگر ایران است و علو غم گذشته نزدیک به یک قرن از نخستین جوانه های جنبش دمکراتیک توده ای در راستای منو نظامات گفته و پدید آمده و کلیه رشته های اسارت استعماری هنوز آن مهم ترین اهداف و آماج اولیه جنبش مشروطیت در تحول یافته ترین شکل خود بعنوان اهداف عاجل انقلاب ایران در پیشاوری مبارزه کنونی خلقهای ایران قرار دارد. هرچند در طی این سالها و در دوران افت و خیز روبه رشد مبارزه طبقاتی در جامعه کثیرالطبقه ایران، جنبش افشاری و دمکراتیک توده ای، عرصه های وسیعی را پیشاوری خود گشوده است، ولی بدون تردید باید گفت سرفصل تعیین کننده مبارزات دهه های اخیر همانا انقلاب ضد استبدادی ضد استعماری مشروطیت است که با قدرت توده ای و فداکاری خود راه ترقی و پیشرفت اجتماعی در ایران را هموار ساخت. هرچند به تحقق اهداف خود نائل نگشت و بعد از نزدیک به ۱۵ سال کشاکش خونین به قربانگاه شکست کشانیده شد، ولی در طول همان سالها چنان تکلیفی به جامعه ایران داد که یکبار برای همیشه خواب قرون وسطایی را از سر آن پراند و شاهراه ترقی اجتماعی را پیشاوری آن

باز گشود. در حقیقت از انقلاب مشروطیت سر آغاز ورود خنقهای ایران به مدرنیته جدید و مبارزه برای تحولات اجتماعی آزادی در جهت ایجاد جامعه های مدرن بود. این انقلاب اگر چه به موفقیت در حصول به اهداف خود نائل نیامد، ولی چنان بنیانی برای مبارزات آینده از خود بر جای گذاشت که دیگر بازگشت به ارتجاع سیاه قرون وسطایی و یا آرام و بقیه وضعیت پرمیسه حاکم را غیر ممکن می ساخت. انقلاب مشروطیت اگر چه شکست خورد، ولی قبل از آن که از پای در آید پایه های فتوالتیسم و استبداد سیاه را به یوزه در آورده و ضربه کاری را به آن وارد نموده بود. وحدت همگانی میان خلقهای سراسر ایران را در مبارزات طولانی و خونین تثبیت نمود. بود و مهر خود را بر تمامی ظاهر حیات اجتماعی ایران کوبیده بود. در انقلابی که بر میراث های این انقلاب سراسر بر آورده، دیگر هرگز قادر نبود جامعه را به قبل از این انقلاب برگرداند، و عرصه هائی را که انقلاب فتح کرده بود براحتی از آن باز پس گیرد. این خصلت پایدار انقلاب مشروطیت در مبارزات سالهای آخر این انقلاب به یومدر جنبش های انقلابی گسترده در اقصی نقاط ایران و در شکل گیری تشکل های طبقاتی، خود را نمودار می ساخت، که هدفی آنها حصول رشد مبارزه طبقاتی و پیشرفت اجتماعی سیاسی جامعه ایران آن روز بودند، و از دل مبارزات سر سخت دوران انقلاب و از جریان عینی آن سر بر آورده بودند، و بیان تداوم چنین مبارزه ای بودند.

اما یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب مشروطیت، پیداری جنبش های ملی در جریان آن بود، که مدتها بعد از شکست این انقلاب و حاکمیت ضد انقلاب ارتجاعی - امپریالیستی بعد از کودتای شوم ۲۹ اسفند، به

حیات خود ادامه دادند و بعد از سالها مقاومت و مبارزه قهرمانانه و در میدان مبارزه برای رهایی ملی از پیکای در آمد فداکاری از قوی ترین و مهم ترین این جنبش ها در گوردستان بود که به جنبش اسماعیل آقا سمکو معروف است. جنبشی که سالها در مقابل حکومت مرکزی و حتی در کجالتی تازه به دوران رسیده ارتجاعی به مقابله برخاست و نهایتاً نیز بعد از شکست قطعی جنبش های پراکنده در سراسر ایران جزو آخرین جنبشهای بود که با خشم و نیرنگ و با صرف هزینه های زیاد از سوی ضد انقلاب سرکوب گردید. هرچند ضعف درونی و رهبری غیرتبی این جنبش خود عامل مهمی در شکست آن بوده ولی صدمت و تداوم جنبش ملی در گوردستان چنان وحشیگری در ارکان ارتجاع حاکم انداخته بود که حتی بعد از شکست آن و در دوران حاکمیت استبداد پهلوی نیز علاوه بر آنکه بیشترین ستم و تحقیر ملی بر حق خلق کرد و جنبش ملی آن را ریشه دار می شد، تبلیغات زهر آکین گسترده ای نیز علیه آن و به سوازات سرکوب خشن نظامی در گوردستان، به راه انداخته می شد. و اغلب شهرهای گوردستان تنها بعنوان پادگانهای نظامی برای سرکوب هرگونه جنبشی محسوب گردیدند و اکثر اصرای ارتش رضا شاه (و حتی بعدها و در دوره محمد رضا شاه پهلوی) شایستگی در جنایت و سرکوب و سرسپردگی خود به دیکتاتوری ارتجاعی امپریالیستی را از طریق انجام مأموریت های سرکوبگرانه در مناطقی مثل گوردستان به اثبات می رسانیدند. و در حقیقت یاد زن های رژیم پهلوی در اینگونه مناطق یکی از مهم ترین آزمایشگاه های تفریق صاحبان و جلادان خلقهای ایران بود. این امر نشان دهنده چیزی نبود، جز تیر و وحشت ارتجاع حاکم از شکله و ر شدن چنین جنبش عوامی.

جنبش اسماعیل آقا سمکو و تقارن آن با آخرین سالهای اوج انقلاب مشروطیت، برای اولین بار اثبات نمود که بحران سراسری جامعه ایران، بلافاصله با رتاپ خود را در خیزش های ملی آشکار خواهد ساخت. در صفحه ۲۵

حزب دمکرات...

قهای حزب دمکرات را به کجای این شب تیره بیاویزد پیرگردانی حزب را بیشتر آشکار می‌سازد و قبیله می‌نویسد. حزب دمکرات خواستار یک بدیل دمکراتیک است. پیوستن حزب دمکرات به شورای ملی مقاومت نیز به این امید بود که بهرور از درون بتواند شورا را بطرفی سوق دهد که از شرایط یاد شده برخوردار گردد. و بصورت یک جانشین دمکراتیک برای رژیم کنونی درآید. لیکن متأسفانه معلوم شد که شورا نمی‌تواند بصورت جانشین دمکراتیکی درآید که رژیم خمینی را سرنگون سازد و آرمانهای دمکراتیک خلقهای ایران را متحقق سازد.

بگذریم از اینکه از این صبارزات پشت پرده مورد ادعای حزب دمکرات با شورا در جهت دمکراتیزه کردن آن کمی صبر در نیاورد. چون تشریه مجاهد همان موقع مدعی شد منظور حزب دمکرات از دمکراتیزه کردن شورای ملی مقاومت پذیرش امثال مدنی‌ها و نزه‌ها به شورا بوده است و حزب دمکرات هم البته دیگر صدایت در نیامد! به هر صورت تشریه کوردستان حزب دمکرات ظاهراً ترجیح می‌دهد بر این وادی قبیله سرگردان بماند تا روزی که ایر سازمانی پیدا شود و برنامه‌ای باب میل حزب دمکرات را پیش‌رویش بگذارد و امیده‌های او را برآورده نماید. تشریه کوردستان ادعا می‌دهد:

به اقتدار حزب دمکرات کوردستان ایران، لزوم تشکیل یک جانشین دمکراتیک امروز از هر وقتی بیشتر است. چنانچه نیروهای چپ و دمکراتهای انقلابی، چنین ضرورتی را خوبی درک نمایند، می‌توانند تنگ نظریها

و محدود نگریهای سازمانی را به کناری بگذارند و با نظر داشتن مرحله کنونی انقلاب ایران برنامه مشترکی تدوین کنند و اقدام به ایجاد یک بدیل دمکراتیک نمایند.

تشریه کوردستان در آخر برای تاکید بیشتر به جهت چنین الترناتیو دمکراتیکی می‌پرسد:

حال که سازمان سازماندهی و نظم بخشی خیزش توده‌ها فرا رصیده است، آیا بهتر نیست تفادهای جنبی به کناری گذاشته

شوند؟ و تمامی قدرت

و توان مبارزان راه آزادی

خلقهای ایران برای

سازماندهی نیروی عظیم

توده‌ها بکار گرفته شود؟

(تاکیدها از ما)

تشریه کوردستان حزب

دمکرات علیرغم آنکه برنامه

همه نیروها را مبرود

می‌شمارد اما هرگز شخص

نمی‌کند، با کدام بخش از این

برنامه‌ها و چرا مخالف

است برنامه خود او چیست؟

البته از سربای مخالف تشریه

کوردستان چنین پیداست که

حزب دمکرات به مثابه یک

جریان منطقه‌ای خود را

صالح نمی‌داند در این باره

اظهار نماید یا برای تسل

جنبش برنامه بدهد.

اما اگر بر سیاست‌ها و

عملکرد امروز حزب دمکرات

بیشتر دقیق شویم، روشن

می‌شود که این بی برنامه‌گی

و گمراه‌گیی ضوابطانه

حزب دمکرات چندان هم

بدون حکمت نیست حزب

دمکرات در حقیقت با تمسک به

محدود و منطقه‌ای بودن فعالیت

حزب دمکرات، خود را از شر

هرگونه مسئولیتی خلاص

می‌کند، تا بتواند هر اقدام

غیر مسئولانه و هر عمل ضد

دمکراتیک خود را به گردن

دیگران بپاندازد. آخر در

شرایطی که نه چشم انداز

روشنی نسبت به آینده وجود

داشته باشد، نه الترناتیو

دمکراتیکی که بتوان به آن

چسبید و نه آینده تابناکی

که بشود به امید آن حیات

سیاسی آتی خود را تضمین کرد، چه تضمینی بسرای آزادی‌ها وجود دارد و پافشاری روی دمکراسی به چه درد حزب دمکرات می‌خورد! اگر آب نباشد که حزب دمکرات نمی‌تواند ثابت کند شناگر ماهری است! اگر چشم انداز دمکراتیکی وجود نداشته باشد دفاع از دمکراسی برای حزب دمکرات آینده‌ای ندارد! پس باید چشم انداز دمکراتیکی پیخرو باشد تا حزب دمکرات ثابت کند، دمکرات پیگیری است، و گرنه با این چشم انداز به زعم حزب دمکرات تیره و تار که حد اعلاش شرایط برای سلطنت طلبان و حکومتی دیکتاتور بدتر از خمینی هوار می‌گردد، آیا دفاع از دمکراسی فردا کفاره ندارد و یقه آدم را گیر نمی‌اندازد؟ آیا دست زدن به اقدامات دمکراتیک در این فردای تیره و تار مسئولیت دای خطیری در بر ندارد؟ قطعاً چهره فقط یک جو واقع بینانه و آینده نگری می‌خواهد که حزب دمکرات بفهمد برای همسانی با فردای آینده چه اقدام جهت باید شناکرد!

حزب دمکرات اگر برای الترناتیو دمکراتیک انحصاری خود یک گونه چشم اختار قائل بود آیا به خود جرأت می‌داد که مدعی شود کوردستان مکان بی ماحی نیست؟ اگر حزب دمکرات به الترناتیو دمکراتیک خود اعتقاد داشت آیا جرأت می‌کرد از پیشمرگان انقلابی دیگر جریانات سیاسی بخواهد که برای مبارزه با مزدوران سرکوب رژیم جمهوری اسلامی از دست سیاست حزب دمکرات صرفه بگیرند؟ قطعاً خیر، چون کدام الترناتیو دمکراتیکی است که در فردای آینده از حزب دمکرات حساب و کتاب نخواهد. کدام الترناتیو دمکراتیک و حکومت توده‌ای است که فردای بدست گرفتن قدرت، حزب دمکرات را به خاطر پافشاری‌هایش روی ادامه درگیریهای قهرآمیز کنونی یا کومهله و تن دادن او به آتش پس به صلابه نشاند؟ کدام الترناتیو دمکراتیکی است که فردا مو را از ماست نشاند و کارنامه هر جریان سیاسی را نه بر

از صفحه ۱

انتخابات ریاست جمهوری...

اجتماعی و سیاسی حاضر و انعکاس گیری آن در صفوف سرجمعین حاکم است.

این انتخابات اگر چه مطلوبیتی برای جناح های مخالف خود ندارد، در عین حال همین عدم مطلوبیت خود، مطلوبیت دیگری بنوعی که گسل حیات رژیم به آن نیاز دارد، ولی روند فطری حوادث آشکار خواهد ساخت که پایان انتخابات، آغاز مجادلات جدیدی در صفوف حاکمیت رژیم خواهد بود. این واقعیت را خود تعداد آرائی که به حساب خامنه ای کارسازی شد نیز گواهی می دهد. حاکمیت اختیارات ریاست جمهوری برخلاف گدازه ها و درخواست های عاجزانه خامنه ای در سخنرانی های انتخاباتی خود، نه تنها بیشتر نخواهد شد، بلکه هر چه بیشتر کاهش نیز خواهد یافت و این مقام تشریفاتی در یوتو قدرت

فائده جناح رفنجانی، صلا هر چه بیشتر به زائده ای تشریفاتی غیر قابل زکری در صادرات سیاسی آینده رژیم، تبدیل خواهد گشت. در غیر این صورت به کشاکشی هر چه عریان تر میان جناح های داخلی رژیم منجر خواهد شد.

انتخابات رژیم یک نمایش مخفک بود که یک خیمه شب بازی کهنه و تکراری بود، اما همین خیمه شب بازی نیز در فقدان حضور بخشی از کارگردانان اصلی سیاست های رژیم، دیگر خود مقدمه کوتاهی نبود بر آنچه که باید در روزهای آینده به نمایش گذاشته شود و در عرصه واقعی قدرت در درون جناح های رژیم خود را بر ملا سازد. تلاش کلیت رژیم برای سرپوش نهادن بر این تشتت گسترده در صفوف خود، تلاش عشی بود که از همین امروز شکست آن قطعی است. این تشتت در صفوف حاکمان ارتجاعی جمهوری اسلامی که در انتخابات حاضر نیامد، می رژیم

صعوفی کتمان آن بود، محصول اجتناب ناپذیر حیات چرانی و متفکور آنها در برهه کنونی و نشانه ضعف و زیرونی رژیم در غلبه بر بحران موجود در تمامی عرصه ها و بی اقتصادی خود آنها به پایه های لبرزان قدرت خویش است که هر روز و هر ساعت در معرض تهاجم گسترده تر توده های کدگر و زحمتکش در انتخابات خامنه ای سرپوشی بر تناقضات درونی رژیم بود که بروز بیرونی این تناقضات را موقتاً به عقب می انداخت، در عین آنکه قادر نبوده بود نیست از شدت و حسد آن بگاهد و در عین حال بر ابعاد آن می افزود. تناقضاتی که خود محصول بحران اقتصاد، سرآسیر ایران قرار دارد و شدت روز افزون بحران کنونی، امکان هرگونه تجدید قوای را از آن باز ستانده و تمامی تدابیر و سیاست های سرگورانه او را در مواجهه با قدرت جنبش انقلابی توده ها با شکست قطعی مواجه ساخته است.

از صفحه ۹

درگیریهای حزب و...

گذشته را نه از تانخه و نه از وجودی این درگیریها، بلکه از

عوامل می گیرد که نسبت به گذشته به خودی خود پیمان هیچگونه تغییر اساسی و کیفی نیستند، باید گفت که وضعیت کنونی حاکم بر عرصه سیاسی کردستان، آرامه بلا انقطاع وضعیت گذشته و تکامل عشی آن است و امروز این گذشته است که خود را بر حال حاکم گردانیده است و نه آینده. راه آینده از پاشنه روشن و مشخص به مخلات کنونی می گذرد تا دل شغولی به این یا آن برخورد سطحی به مسائل گرهی جنبش کاری که پلنوم کومه له عملاً جز آن نگذرده است. و در عمل نه تنها سیاستی را اعلام نگذرده است که بیانگر روز عینی از مسائل امروز جنبش باشد، بلکه با توقف در خواهر تهاجمی به قسینه سازی های کاذب و کلی دست پانزده است.

ما در صحت آینده بها تامل روی اهداف، شعارها و خواسته های سیاسی مطرح شده از جانب طرفین که مورد تکیه کومه له در تمایز درگیری کنونی با درگیری های گذشته است و ریشه یابی همین شعارها و سیاست ها در پیروز و امروز خود، ضمن واقعی سیاست های موجود پشت این درگیری های خونین، و نقاط افتراق و اشتراک آنها را بیشتر روشن خواهیم ساخت تا روشن شود آن اختلاف واقعی و نه صوری موجود در سیاست های طرفین در کجاست و چرا کومه له در صورت بلغموم خود از برخورد با آن ابا داشته است؟ و از ارائه دلایل واقعی چنین درگیری هایی و در نتیجه از پاسخ به این که چه ضرورتی قطع آنها را الزامی می سازد؟ طفره رفته است؟ آیا جنگ کنونی ضرورت و محصول اجتناب ناپذیر روند رشد جنبش کنونی است یا در تقابل آشکار با چنین ضرورتی است، و سیاست های پشت این جنگ تا چه حد در انطباق یا عدم انطباق با چنین ضرورتی هستند و نقاط اشتراک آنها در این راستا کدام بوده و هست؟

(ادامه دارد)

جوابی درگیر باطل گردند ۱۰۰۰

از صفحه ۱۲
بر دستاورد های جنبش انقلابی خلق کرد و اهداف پیروزمندان، تنها سیاست اصولی و انقلابی در شرایط خلق کرد است که هرگونه روابط گسترده فیما بین نیروهای سیاسی فقط در چارچوب آن ضرورت و همین میبار و صلح نیز هست که صاف صدافمین ضائق حیات جنبش انقلابی خلق کرد و تصدوم قدرتمند آن را از صف مدافمین تصدوم درگیریها و در نتیجه زیر پا نهادن منافع و اهداف جنبش کنونی و ایجاد رخنه در صفوف آن تمایز می سازد.

گواهی باذخاطره
نهادی مردادماه کردستان

رفتنی بداش:

- ★ یوسف کیش زاده مرداد ۵۸
- ★ سعید جعفری مرداد ۵۸
- ★ هرمز گرجی بیانی مرداد ۵۸
- ★ جواد کاشی مرداد ۶۱
- ★ ابوالقاسم رشوند مرداد مرداد ۵۸

از صفحه ۲۱

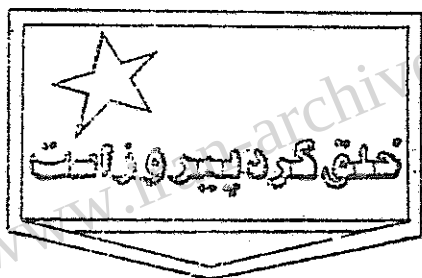
انقلاب مشروطیت

کما اینکه عین همین تجسده در سالهای بعد از شهریور ۲۰ و سقوط دیکتاتوری رضا خانی، یکبار دیگر در آذربایجان و کردستان با قدرت تمام تکرار گردید و پیروزیه در دوران مبارزه برای سرنگونی رژیم محمد رضا شاه و بعد از سرنگونی آن، قانونمند بودن خود را به اثبات رسانید. که سرنگونی شاه مصداق گشت با مشروطیت گسترده جنبش ملی در اکثر مناطق ملی و پیروزیه در کردستان که ادامه آن همین جنبش امروز در کردستان است.

این امر یعنی تقارن رشد و گسترش جنبش های ملی به موازات انقلاب مبارزات برابری توده ای در ایران، یکی از اولین و مهم ترین تجارب انقلاب مشروطیت بود که تاکنون به آن یهای چندانیه داده نشده است. دستاوردی که صحت و امولیت آن را:

مبارزات سالهای بمبارد از مشروطیت و در برده های مختلف به اثبات رسانیده است. دستاوردی که اساس آن را وجود پیوند ناگسستنی در مبارزات برابری همه خدقهای ایران در مقابلیه با دشمن متعصب و آن عاملی که متغیری طبیعی یکی از تمهات وجودی ن است. تشکیل می دهد. اصولی که تجربیات جمهوری اول و جنبش کنونی صحت و حقایقیت آن را کاملاً به اثبات رسانیده است.

در بزرگداشت پالروز انقلاب مشروطیت ۱۰۰۰ با آسپوزر از دستاوردها و جریات آن مبارزات قهرمانی توده ها در مقابلیه با استبداد سیاه فئودالی و استعمار امپریالیستی را گرامی داریم.



حزب دمکرات

از صفحه ۲۳
امام گفتمایش بلکه در کردستان طاقوت نه چندی عظیم توده های مردم نگه ندارد ؟

حزب دمکرات امروز از نیروهای ایمن، چپ و انقلابی می خواهد که متحد نظریم و متحد گردیم و گروهمی و تضادهای جنبی را کنار بگذارند و تمسکی قدرت و توان مبارزان را در راه آزادی خلقهای ایران به کار گیرند.

اما سرگ حق است برای همایسه، حزب دمکرات نمی گوید درگیریهای خونین او با کوسه له و عمده کردن تضاد جنبی در کردستان تا چه اندازه امروز توانائی و قدرت جنبش خلقی کرد را از آن سلب نموده است و نقش حزب دمکرات در آن چیست ؟

اگر حزب دمکرات به اکثریتیه دیگری غیر از اکثریتیه دمکراتیک خود باور نداشته، آیا برای اثبات بی اقتصادی خود به دمکراسی این اندازه شتاب به خرج می داد ؟

عملیات پیشمرگه

۱۵	کین و کنترل جاده
۲۴	مین گذاری
۳۱	مقابلیه در برابر یزید و دشمن
۱۷	حمله به مراکز مهم در شهرها
۳	خسب سلاح پایگاه
۶	صادره و انهدام تاسیسات
۲۵	حمله به پایگاهها
۱۲۱	جمع

۳۱	شهدای پیشمرگه
۳۲	شهدای اهالی بی دفاع

تلفات دشمن

۵۲۵	کشته و زخمی
۷۲	اسرای دشمن
۳۶	خود رو خددم یا مصادره شده
۶	سلاحهای منهدم شده
	صهات خددم شده
	یک انبار

جدول یک ماهه
طیات پیشمرگان
خلق گسترده

۲۷ تیر ۶۷ مرداد

خنایم بدست آمده

۱۶۵	جنگ افزار انفرادی
۴۸	اتسواع نارنجک
۲	بی صیم
۱۶۸۰	انواع فشنگ
۳۷۲	خساب
۱۰	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۵	تجهیزات سنگین و نیمه سنگین
۲۹	تجهیزات فریب خود دگان

آمار این جدول عمدتاً از آمار راندهای حزب دمکرات و کوسه به گرفته شده است.

سدرگه و توبی بزوتنه و دی شور شگیراندهی گه لی گورد

اخباری از جنبش توده‌ای

صفحه ۱۳

تربیتی ملاحظیات

حزب دمکرات

و

آلترناتیو دمکراتیک

نشریه کردستان ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات در شماره ۱۰۵ خرداد ماه خود بحث مفصلی را به نبردهای مختلف سیاسی اختصاص داده و تحت عنوان "آلترناتیو دمکراتیک" به سه تنگین کردن هر یک از آنها پرداخته است.

نشریه کردستان حزب اگر چه در این بررسی، وزن سنگین را به آلترناتیو ضد انقلاب طاقت طلب داده و خطر آنها را عمده کرده است اما ظاهراً از همه نیروها قطع امید می‌کند و می‌نویسد:

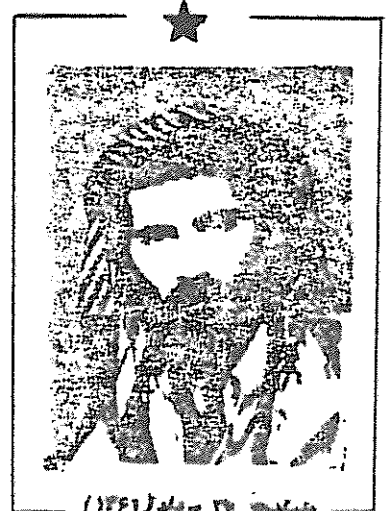
"نیروهای ترقی خواه نیز هر یک بر راستای سیاست خود و با در دست داشتن شعارهای ویژه خود، هر کدام برنامه خود را به عنوان بهترین برنامه برای شرایط کنونی مصرفی می‌نمایند."

نشریه کردستان که مطلب مانده است بالاخره در صفحه ۲۳

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق جواد کاشی

رفیق جواد کاشی -
توجه به شایستگی -
هایی که داشت
به کاندیداتوری
عضویت سازمان
درآمد و فرماندهی
نظامی دسته‌های
عملیاتی پیشمرگان
فدائی به
وی سپرده شده
رفیق در جریان
خلع سلاح گروه
ضربت پایگاه
حسرت مقصود
به شهادت رسید.
یادش گرامی و
روزش پایدار.

فدائی شهید،
رفیق جواد کاشی،
مبارز خستگی ناپذیر
راه سوسیالیسم،
پیشمرگ آگاه
و جسور سازمان
با شناخت از
بهدادگرهای نظام
سرمایه داری به
پس منتهی به صفوف
سازمان علیه این
نظام پراخت و با
کبک آگاهی
مارکستی ملینیتی
به کمر بستگی
و فتنه مبدل گشت.



شهادت ۳۰ مرداد (۱۳۶۱)

وادیو صدای فدائی

امواج کوتاه ردیفهای ۶۵ و ۷۵ متر

ساعات ۸٫۵ بعد از ظهر

۱۳٫۵ روز بعد

خلق کرد پیروز است

جدول یک ماهه
علیات پیشمرگان
خلق کرد

از ۲۲ تیر تا ۲۲ مرداد

صفحه ۲۵

نگاهی کوتاه به زندگی آوارگان بمباران‌های هوایی در شهرهای کردستان

و

اعتراضات توده‌ای علیه جنگ ارتجاعی

و انبوهی از اهالی
زحمتکش این مناطق
مجبور به ترک خانه
و گاهانه خود شده
و آواره کوهها و
رشته‌های اطراف
شهرها گشته اند این
آوارگان خانه بدوش
که قربانی جنگ

به دنبال
انگیزی جنگ ایران و
عراق و بمباران‌های
هواپیماهای نیروی
سیاری از شهرهای
ایران و از جمله
شهرهای غرب کشور
شدت آسیب دیده و

سخت و جانفرسائی
پرمی‌پزند. فقر و
گرسنگی کمبود مواد
فدائی و دیگر مایحتاج
اولیه زندگی، نبود
لوازم اولیه بهداشتی
و امکانات درمانی جان
هزاران انسان بی دفاع
را در معرض خطر

ارتجاعی دولتی
ایران و عراق و به ویژه
قربانی سیاست‌های
جنگ طلبانه و پان-
اسلامی رژیم
جمهوری اسلامی
می‌باشند هم اکنون
بدین هیچگونه
سرنامی در شرایط

اقام بیماری‌ها و
نهایتاً مرگ قرار
داده است.

در همین رابطه
رژیم جمهوری اسلامی
برای پیشبرد
سیاستهای ارتجاعی خود،
برای آنکه اضلاع
جاری را عادی جلوه
داده و بتوانند
توده‌های زحمتکش و
ستم‌دیده را به گوشت
دم‌توب سرمایه داران
در صفحه ۱۹

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق